

بررسی و نقد فلسفی رویکرد اقتصاد و تجاری سازی اطلاعات

دکتر علی جلالی دیزجی^۱

چکیده

متخصصان حوزه‌های موضوعی مختلف به جای تعریف دقیق اطلاعات بیشتر با بیان ویژگی‌های آن به تبیین ماهیت اطلاعات پرداخته‌اند که منجر به ظهور نگرش‌ها و پیش‌فرض‌هایی در باره اطلاعات شده است. علم اقتصاد هم در عرصه‌های تبیین و کاربرد آن، حضور ستیزه‌جویانه رویکردها، نظریه‌ها و مکاتب فکری متنوع و در عین حال متناقضی را شاهد بوده است. نگاه ویژه هر یک از این مکاتب؛ به مفهوم تعریف، شناخت، و سامان‌دهی مسائل اقتصادی از زاویه دید همان رویکرد است و معمولاً به تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی وسیعی در جوامع و نیز سطح بین‌الملل منجر می‌شود. امروزه در جهان سه نظام اقتصادی بازار آزاد، سوسیالیستی، و مختلط (ارشادی) با پیش‌فرض‌های مربوط به خود وجود دارد. اقتصاد اطلاعات از حوزه‌هایی است که از رابطه و تعامل علم اطلاعات با حوزه اقتصاد پدید آمده و چندی است که به لحاظ رویکرد فکری و ساختار اقتصادی - اجتماعی کنونی در محافل و مباحث حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی داخل کشور مورد عنایت قرار گرفته است. با توجه به رویکرد بومی سازی علوم مطرح در سطح کشور برای پاسخگویی به نیازها و مسائل مختلف، اقتصاد اطلاعات با پیش‌فرض‌های نظام بازار آزاد، نیازمند تحلیل و شناخت کامل برای تصمیم‌سازی درست جهت بومی‌سازی و جلوگیری از آسیب‌های احتمالی به فرهنگ کشور است. هدف این مقاله جستجو و بررسی درباره پستوانه و پیش

۱. عضو هیات علمی گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی

فرض‌های نظری اقتصاد اطلاعات در منابع موجود و نقد رویکرد اقتصاد و تجاری سازی اطلاعات به منظور تعیین نسبت و رابطه آن با بومی و اسلامی سازی علوم است. **واژگان کلیدی:** اطلاعات، اقتصاد، اقتصاد اطلاعات، پیش فرض‌های نظری، تجاری سازی اطلاعات، بومی سازی، اسلامی سازی.

مقدمه

چنان که در بخش تعاریف همین مقاله به نقل از دکتر حری بیان شده است، برای واژه اطلاعات همچون سایر پدیده‌های بنیانی نظیر انرژی، جاذبه، حیات، عدالت، و مانند آن تاکنون تعریف دقیق و رسمی ارائه نشده است. متخصصان حوزه‌های مختلف موضوعی بیشتر جلوه‌ها و ویژگی‌های آن را، در محدوده تخصصی خود، تعیین کرده‌اند. بنابراین، اطلاعات در قلمروهای ریاضیات، زبان شناسی، اقتصاد، روان شناسی، ارتباطات، مدیریت و جز آن مطالعه شده و ویژگی‌های متفاوتی هم برای آن نسبت داده شده است. مطالعات مذکور با تبیین علمی ماهیت اطلاعات به زبان استعاره، موجب تقویت حوزه علم اطلاعات و پیچیدگی درک ماهیت اطلاعات گشته است. بنابراین، منجر به ظهور نگرش‌های متفاوتی از ماهیت و کارکردها اطلاعات و پیش فرض‌هایی درباره اطلاعات شده است که ضمن دشواری انتخاب، موجب بهره برداری مکاتب فکری متفاوت از آن به نفع خویش می‌شود.

در غیاب تعریفی جامع و مورد قبول متخصصان رشته‌های مختلف علوم (حری، ۱۳۹۱)، به دلیل پیامدهای وسیع و متفاوت فکری، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، و سیاسی نیازمند کنجکاو و مطالعه‌ای دقیق و از روی آگاهی هستیم تا با انتخاب ویژگی و فلسفه اصلح، کاربرد صواب و خیر عمومی را هدف گیریم و پیامدهای انتخاب ناصواب را به حداقل ممکن کاهش دهیم.

تاریخ مدون و تحقیقات باستان شناسی پنج هزار سال سکونت بشر بر روی زمین، نشانگر زندگی گروهی و حفظ موجودیت فردی اوست. نیازهای فردی و اجتماعی انسان را واداشته تا با کسب شناخت نسبت به محیط اطراف و تسلط بر طبیعت، نیازهای حیاتی و فکری خویش را رفع کند. کسب علوم، از جمله علم اقتصاد، و به کارگیری آنها برای دستیابی به این اهداف بوده است. ارائه تعریفی از علم اقتصاد همانند ارائه تعریف از اطلاعات دشوار است. دشواری تعریف اقتصاد به عنوان مجموعه شناخت‌های عینی رفتارهای انسان برای تامین نیازهای او چون دیگر علوم انسانی و اجتماعی از آن جاست که موضوع اقتصاد مناسبات دیالکتیکی [مباحثه و مکالمه] انسان با طبیعت است که با بررسی آن، کالاها و خدمات لازم - [برای] نیازهایش - را تولید، توزیع و مصرف می‌کند (جعفری تژاد، ۱۳۸۹).

مسلم است که اقتصاد و فعالیت اقتصادی برای فرد و جامعه هر دو اهمیت دارد. برای

فرد، از آن رو مهم است که آن را لمس کرده و خود را با آن درگیر می‌بیند. رشد، شکوفایی، رفاه، سعادت، قدرت، استقلال، عظمت و نیل به کمال مطلوب برای جامعه متأثر از مسائل اقتصادی هم دلیل اهمیت آن برای جامعه است (ثابت، ۱۳۸۱). اما علم اقتصاد بنا به پیچیدگی پدیده‌هایی چون فرد و اجتماع و نیازهای آنها؛ در عرصه‌های تبیین و کاربرد آن، حضور پررنگ و ستیزه جویانه رویکرد ها، نظریه‌ها و مکاتب فکری متنوع و در عین حال متناقضی را شاهد و ناظر بوده است. نگاه ویژه هر یک از این مکاتب هم؛ به مفهوم تعریف، شناخت، و سامان دهی مسائل اقتصادی از زاویه دید همان نگاه و رویکرد است و معمولاً به تحولات و تغییرات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی وسیع و عمیقی در سطح جوامع و نیز سطح بین الملل منجر می‌شود. این ویژگی علم اقتصاد بیانگر اهمیت شناخت این حوزه از نقطه نظر متفاوت برای رسیدن به جامعه‌ای بالنده و سرشار از رشد، شکوفایی، سعادت، استقلال، و نیل به کمال مطلوب است.

بیان مساله و اهمیت موضوع

نقد و تحلیل آثار علمی انتشار یافته و افکار نویسندگان قطعاً یکی از اهداف مهم پژوهش و نگارش علمی است. نقد و بررسی کنشی در جریان حرکت دانش به سوی دانش عینی است و رشد محتوایی نوشته‌ها رشدی است که بر اثر حدس و ابطال و نقد و ارزیابی حاصل می‌شود به گونه‌ای که رشد مستمر دانش را می‌توان تصحیح و اصلاح دانش پیشین دانست (جلالی دیزجی، ۱۳۸۹، نقل از حری، ۱۳۸۱). حداقل سه کارکرد اساسی را برای نقد و بررسی آثار و افکار می‌توان متصور شد. ۱) توان معرفی آثار علمی و افکار موجود را برای شناسایی، انتخاب و استفاده از آنها در بین مخاطبان و به ویژه متخصصان و اندیشمندان دارد. ۲) جایگاه هر اثر و فکری را در بافت علمی حوزه مورد نظر تعیین و قوت و ضعف آن را در مقایسه با سایر آثار و افکار نشان می‌دهد و ۳) فرصتی را برای مطالعه دقیق همراه با کنجکاوی برای منتقد و همراهی او با اثر فراهم می‌آورد.

موضوع دیگر این بحث فلسفه اطلاعات^۱ است. فردریک کاپلستون^۲ مورخ نامدار تاریخ

1. Philosophy of information

2. Frederick Copleston ۱۹۶۹

فلسفه، در جایی فلسفه را "انگل صفت" خوانده است. البته منظور او از کاربرد این عبارت، معنایی خوار شمارنده یا توهین آمیز نیست، بلکه به این معنی است که فلسفه قوت خوت را از چیزی دیگر می‌گیرد. به طور مثال فلسفه علم، پیشرفت و بالندگی علم را فرض می‌گیرد و از رهگذر تامل در پیش فرض‌ها و روش شناسی یا منطق علم، قوت خود را از آن به دست می‌آورد (خندان، ۱۳۸۸، نقل از کاپلستون، ۱۳۸۵).

با این توصیف، فلسفه چرا نتواند غذای خویش را از "اطلاعات" بگیرد زیرا که انگل صفتی فلسفه به جهت جدا نبودن آن از زمان بوده و دوام آن در گرو داد و ستد آن با مسائل زمان است. در اجتماع کنونی، که صفاتی چون عصر اطلاعات، جامعه اطلاعاتی، جامعه شبکه‌ای و اصطلاحات مشابه دیگر به آن اطلاق می‌شود؛ فلسفه جایگاه و فرصت برتری برای بهره‌برداری از رهگذر اطلاعات و داد و ستد با آن پیدا می‌کند. هم از این رو لازم است به موضوع فلسفه اطلاعات پرداخته شود زیرا که پرسش از ماهیت اطلاعات می‌کند، و هم ضروری می‌نماید که داد و ستد حوزه اطلاعات با سایر حوز ه‌های علمی مورد غفلت قرار نگیرد و با به کارگیری رویکرد فلسفی با دقت نظر زیاد در کانون توجه قرار گیرد. وام دهی و وام‌گیری از مفاهیم و دانش حوزه‌های دیگر هم می‌تواند موجب بهره‌وری بیشتر علمی گردد و هم ممکن است خطرات جدی را در پی داشته باشد و کاربرد نادرست و ناثواب آن به مبانی علمی هر حوزه دانشی آسیب جدی وارد آورد.

اقتصاد اطلاعات از جمله حوزه‌هایی است که از رابطه و تعامل علم اطلاعات با حوزه اقتصاد پدید آمده است، و چندی است که به لحاظ رویکرد فکری و ساختار اقتصادی- اجتماعی موجود کنونی در محافل و مباحث حوزه علم اطلاعات و دانش شناسی در داخل کشور مورد عنایت خاصی قرار گرفته است. از سوی دیگر، نگاه و مبحث مطرح دیگر به ویژه در حوزه علوم انسانی، رویکرد و فرهنگ بومی سازی علوم در سطح کشور و ترویج و ارتقاء کرسی‌های ترویجی، نقد و نظریه پردازی در دانشگاه‌ها برای تولید علم و نیز بازنگری برنامه‌های آموزشی در سطح وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به صورت جدی برای پاسخگویی به نیازهای مختلف بازار اشتغال داخلی و رفع مسائل و معضلات پیش روی بخش‌های مختلف در سطح کشور است. اما موضوع بسیار حیاتی و مهم در این فرایند تغییر و چرخه اصلاح، تحلیل اساسی و صحیح از مدل‌های نظری موجود، و گزینش و کاربرد مفیدترین آنها برای رسیدن به آرمان‌ها و اهداف مورد نظر است. به نظر می‌رسد حوزه اقتصاد اطلاعات از جمله مباحث اساسی

است که نیازمند تحلیل، درک و شناخت کامل است تا بتوان از طریق تصمیم‌سازی درست هم به بومی‌سازی پرداخت و هم مانع از آسیب‌های احتمالی به فرهنگ کشور گردید.

بنابراین، هدف از این مقاله جستجو و بررسی در باره پشتوانه و پیش‌فرض‌های نظری اقتصاد اطلاعات و تعیین نسبت و رابطه این حوزه با موضوع بومی و اسلامی‌سازی علوم است. در همین راستا پرسش‌های اساسی این مقاله عبارتند از:

۱. پشتوانه و پیش‌فرض‌های نظری اقتصاد اطلاعات کدامند؟
۲. نسبت و رابطه رویکرد اقتصاد اطلاعات با موضوع بومی و اسلامی‌سازی علوم چیست؟
۳. چه مباحثی از اقتصاد اطلاعات شایسته نقد است؟

روش تحقیق

در مقاله حاضر به منظور دستیابی به اهداف و پاسخ به پرسش‌های بحث‌مورد نظر، روش اسنادی برای گراوری اطلاعات مرتبط به کار رفته و با استفاده از تحلیل محتوای کیفی، منابع و آثار جمع‌آوری شده مورد تحلیل قرار گرفته‌اند تا استنتاج‌های معتبری از متون مربوطه به عمل آید. برای این منظور پس از صورت‌بندی مساله و مشخص شدن پرسش‌های اساسی، ابتدا آثار مرتبط از طریق جستجو در منابع چاپی کتابخانه‌ای و منابع الکترونیکی پایگاه‌های اطلاعاتی موجود در محیط اینترنت و اطلاعات بر گرفته از وب جهانی شناسایی و گردآوری شده‌اند. منابع مورد مراجعه عموماً شامل کتاب‌ها و مقالات فارسی و غیر فارسی به عنوان جامعه آماری پژوهش بوده است. سپس منابع منتخب مورد مطالعه، بررسی، خلاصه‌سازی و یادداشت برداری قرار گرفته‌اند. خلاصه‌ها و یادداشت‌های بر گرفته از منابع هم پس از طبقه‌بندی و پالایش، داده‌های لازم را برای تجزیه و تحلیل فراهم ساخته‌اند و در پایان از این طریق نتیجه‌گیری انجام شده است. در مبحث بومی و اسلامی‌سازی، مراجعه به متون برای استخراج اصول و بنیان‌های اساسی صورت گرفته است تا به روش تطبیقی با مبادی و اصول نظری حوزه اقتصاد و اقتصاد اطلاعات مورد مقایسه قرار گیرند. بدین ترتیب نقطه نظرات انتقادی و مثبت و منفی آشکار شده و از آنها برای پاسخگویی به پرسش‌ها استفاده گردیده است.

اقتصاد: مطالعه بنیان‌ها، مکاتب، نظریه‌ها، و رویکردها

مباحث نظام‌های اقتصادی و مکتب‌های فکری اقتصاد در دایره المعارف فشرده اقتصاد حاوی سرفصل‌هایی الفبایی هستند که در واقع موضوعات مهم و اساسی نظام‌ها و مکاتب اقتصادی را بررسی می‌کنند و در باره هریک مدخلی اختصاص یافته است که به وسیله متخصصان این حوزه به رشته تحریر درآمده اند. سرفصل‌های اشاره شده عبارتند از: آپارتاید یا نژادپرستی، کاپیتالیسم یا سرمایه داری، کارتل‌ها، کمونیسم، عرضه رقابتی پول، حوادث بد (بلایا) و رونق، آزادی اقتصادی، رشد اقتصادی، تجربه‌های رشد اقتصادی، اخلاق و اقتصاد، فاشیسم، بازار آزاد، استاندارد طلا، بحران بزرگ، سوسیالیسم، معیارهای زندگی و رشد اقتصادی جدید در بخش نظام‌های اقتصادی؛ و مکتب اقتصادی اتریش، اقتصاد رفتارگرا، اقتصاد کینزی، مارکسیسم، مرکانتلیسم (سوداگری)، مونتاریسم، اقتصاد جدید کینزی، و سوسیالیسم در مبحث مکتب‌های اقتصادی هستند. هرچند مباحث مرتبط دیگری نیز در زمینه اقتصاد در زیر همین مدخل‌های دایره المعارف یافت می‌شوند که به نوبه خود دارای اهمیت هستند ولی موضوعات مذکور چارچوب اصلی و اهم مطالب مربوط به نظام‌های اقتصادی را در سطح جهان نمایان می‌سازد. از این رو سعی شده است بر اساس شرایط موجود اقتصادی جهان و بنا به مناسبت بحث این مقاله، به تعریف و شرح تعدادی از این واژگان پرداخته شود تا بتوان موضوع مورد بحث در زمینه بررسی و نقد رویکرد اقتصاد و تجاری سازی اطلاعات را ساده تر پی گفت.

مفهوم اقتصاد

واژه "اقتصاد=Economy" به لحاظ ریشه شناسی برگرفته از واژه یونانی Okios به معنی خانه و nemein به مفهوم مدیریت است (دایره المعارف امریکانا، ۱۹۷۲). پس به این ترتیب واژه اقتصاد در اصل یونانی آن به مفهوم مدیریت خانه به کار رفته است اما این مفهوم به تدریج مفهوم وسیع تری پیدا کرده است به شکلی که نمونه‌های متفاوتی از تعریف اقتصاد را در منابع مختلفی یافت می‌شود که در زیر به چند مورد از آنها اشاره می‌رود:

اقتصاد نوعی از علوم اجتماعی است که مصرف و تخصیص منابع در دسترس را میان کاربردهای رقابتی تجزیه و تحلیل می‌کند. اقتصاد با موضوع انتخاب سروکار دارد ... تا جایی که شناخته شده است در تمام جوامع در مقابل تقاضا و نیاز بشر [منابع] کمیاب

هستند ... همیشه این کمیابی وجود داشته و احتمالاً همیشه هم خواهد بود. اعضای خانوار، شرکت‌ها، و دولت‌ها به طور پایداری نیاز به اداره تمام منابع در دسترس دارند. این به معنی مدیریت آنها به شکل محتاطانه به منظور صرفه جویی است (دایره المعارف امریکانا^۱، ۱۹۷۲).

علمی است که در باره تولید و توزیع کالاها و خدمات و تشکیل و گردش ثروت در جامعه بحث می‌کند. مجموعه فعالیت‌های افراد و سازمان‌هایی که در هر جامعه تولید ثروت می‌کنند و یا به توزیع کالاها و خدمات می‌پردازند نیز اقتصاد نامیده می‌شود. مصرف کالاهای تولید شده و بهره‌مندی از خدمات نیز جزئی از اقتصاد است. علم اقتصاد رابطه میان نیازها و خواست‌های نامحدود انسان با منابع محدود موجود را بررسی می‌کند و راه درست استفاده از این منابع را نشان می‌دهد (شورای کتاب کودک، ۱۳۷۱-۱۳۹۱، ج ۳، ص ۱۲۰).

علم اقتصاد عبارت است از مجموعه شناخت‌های عینی رفتارهای انسان که غایت‌شان تامین نیازهای انسانی است. دشواری تعریف اقتصاد به عنوان علم، چون دیگر علوم انسانی و اجتماعی، از آن جا ناشی می‌شود که موضوع اقتصاد مناسبات دیالکتیکی انسان با طبیعت است که با بررسی آن کالاها و خدمات لازم، نیازهایش را تولید، توزیع و مصرف می‌کند (جعفری تژاد، ۱۳۸۹).

اقتصاد مطالعه در چگونگی تخصیص منابع نایاب توسط انسان برای تولید کالاهای مختلف و توزیع آنها برای مصرف میان مردم در جامعه است (واژه نامه رایگان^۲، ۲۰۱۲).

با استفاده از وجوه مشترک این تعاریف می‌توان چنین دریافت که اقتصاد نوعی از علوم اجتماعی است که موضوع بحث آن شناخت عینی رفتارهای انسان در چگونگی تخصیص منابع محدود برای تولید نامحدود کالاها و خدمات مورد نیاز و تقاضای انسان، توزیع و مصرف آنها و گردش ثروت در جامعه است.

تاریخ و مکاتب فکری اقتصاد و نقاط عطف آن

مکتب اقتصادی اتریش در سال ۱۸۷۱ انقلاب مرزگرایی (مارجینالیستی) را در تحلیل

اقتصادی به وجود آوردند. منگر این بحث را پیش کشید که تحلیل اقتصادی را در سطح جهانی می‌توان به کار بست و واحد صحیح تحلیل انسان و انتخاب اوست. این انتخاب‌ها ترجیحات ذهنی فرد و مرزی است که تصمیمات مبتنی بر آن اتخاذ می‌شود. او معتقد بود منطق انتخاب سازه اساسی توسعه نظریه اقتصادی مناسبی در سطح جهان است. اما برخلاف نظر وی، مکتب تاریخی اعتقاد داشت که علم اقتصاد نسبت به خلق اصول جهانی ناتوان است و تحقیقات تاریخی باید به جزئیات بررسی تاریخی بپردازد. مکتب تاریخی فکر می‌کرد اقتصاددانان کلاسیک انگلیسی در اعتقاد به قوانین اقتصادی ماورای زمان و مرزهای ملی اشتباه می‌کنند. طرفداران منگر از نظریه او دفاع کردند و با فروکاستن آن نام مکتب اقتصادی اتریش را دادند. بسیاری از ایده‌های اواسط قرن بیستم این مکتب ریشه در عقاید اقتصادپون کلاسیک مانند آدام اسمیت و دیوید هیومف یا شخصیت‌های اوایل قرن بیستم دارد. قضایا و گزاره‌های مکتب اقتصادی اتریش برای روشن شدن باورهای آنها در باره علم اقتصاد عبارتند از: گزاره (۱) فقط افراد انتخاب می‌کنند. (۲) مطالعه نظم بازار اساسا در باره رفتار مبادله و نهادهای درونی آن است که مبادله در آن اتفاق می‌افتد. (۳) حقایق علوم اجتماعی عبارتند از آنچه مردم باور داشته و فکر می‌کنند. و در بخش اقتصاد خرد (۴) مطلوبیت و هزینه‌ها امری ذهنی هستند. (۵) نظام قیمت گذاری در اطلاعات مورد نیاز برای فرایند تصمیم گیری مردم صرفه جویی می‌کند. (۶) مالکیت شخصی در درون دادهای تولید شرط ضروری برای محاسبه منطقی اقتصادی است. (۷) بازار رقابتی فرایندی برای کشف کارفرمایی است. در مبحث اقتصاد کلان (۸) پول عنصر بی اثری نیست. (۹) ساختار سرمایه مرکب از کالاهای ناهمگن است که دارای کاربردهای چندگانه است که باید تنظیم شوند. (۱۰) نهادهای اجتماعی غالبا نتیجه عمل انسانی است، اما به وسیله او طراحی نمی شوند.

مکتب فکری رفتارگرا مکتب اقتصادی دیگری است و به دلیل این که همه انواع اقتصاد در باره رفتار مردم هستند، پس باید دریافت که اقتصاد رفتارگرا چیست و چگونه با بقیه اقتصادها تفاوت دارد؟ در پاسخ به این پرسش اشاره به این نکته ضروری است که علم اقتصاد به صورت سنتی دنیایی را متصور می‌سازد که با محاسبه، یعنی حداکثر سازهای غیر احساسی بازیگر *Homo economicus*، سروکار دارد و چارچوب اقتصادی استاندارد است که همه مطالعات رفتاری به وسیله روان شناسان اجتماعی و شناختی را رد کرده و ندیده می‌گیرد. زمانی از این نهاد اقتصادی غیر رفتاری در عرصه‌های مختلف دفاع می‌شد و تعدادی ادعا می‌کردند که مدلی "شایسته" است؛ بسیاری دیگر

خیلی ساده استدلال می‌کردند که مدل استاندارد آسان تر از آن است که رسمی شود و به لحاظ عملی خیلی مرتبط باشد. اما اقتصاد رفتاری از این واقعیت شکفته شد که هیچ یک از این نظرات درست نیستند. مدل اقتصادی استاندارد رفتار انسانی شامل سه ویژگی غیرواقع‌گرایانه، استدلال مرزبندی نشده، اراده جدی نامحدود، و خودپسندی نامحدود، است که همه آنها را اقتصاد رفتارگرا تغییر داده است. هربرت سیمون، برنده جایزه نوبل، به سال ۱۹۵۵ اولین منتقد این ایده بود که مردم توانایی نامحدود پردازش اطلاعات را دارند. او عبارت "استدلال محدود" را برای توصیف یک مفهوم خیلی واقع‌گرایانه از توانایی حل مسئله توسط انسان توصیه کرد. نتیجه شکست در ترکیب استدلال محدود در مدل‌های اقتصادی داشتن اقتصاد بد است. از آنجا که قدرت حافظه آنچنان و زمان آنچنان در اختیار نداریم، نباید انتظار داشته باشیم که مسائل دشوار را به صورت خوش بینانه حل کنیم. برای مردم این خیلی چشمگیر است که قواعد سرانگشتی را به عنوان راهی برای اقتصادی کردن نیروی ذهنی بپذیرند. در حالی که مدل استاندارد این محدودیت‌ها را ندیده می‌گیرد. خروج از استدلال هم در قضاوت (باور) و هم در انتخاب ظاهر می‌شود. طریقی که در آن واگرایی قضاوت از استدلال گسترده است (کانمان و دیگران، ۱۹۸۲). تعدادی از مثال‌های روشن‌گر مشتمل بر اعتماد به نفس زیاد، خوش بینی، و تعمیم دهی است. دو عامل در موفقیت حیرت آور امور مالی رفتاری دخالت داشت. اول اقتصاد مالی به طور کلی، و فرضیه کارایی بازار به طور ویژه پیش بینی‌های هوشیارانه، و قابل آزمون در باره پدیده‌های قابل مشاهده را به وجود آورد. دوم این که داده‌های با کیفیت بالا به صورت آماده‌ای برای آزمایش این پیش بینی‌ها در اختیار قرار گرفت. اقتصاديون رفتارگرا همچنین این فرضیه را ساختند که سرمایه‌گذاران به تشخیص ضررهای سرمایه بی‌میل هستند زیرا که انجام این کار به معنی "اعلام" خسارت خویش است (تالر و مولایناتان^۱، ۲۰۰۸).

مکتب اقتصاد کینزی نظریه خرج کلی (تقاضای کلی) در اقتصاد و اثرات آن بر برون داد و تورم است. این نظریه اقتصادی از شش اصل مهم به شرح زیر تبعیت می‌کند که در آن سه اصل اول تشریح می‌کند که اقتصاد چگونه کار می‌کند.

۱. کینزی بر این باور است که تقاضای کلی تحت تاثیر گروهی از تصمیمات اقتصادی، عمومی و خصوصی، قرار دارد و گاهی بی‌قاعده عمل می‌کند. تصمیمات عمومی شامل

سیاست‌های خیلی مهم پولی و مالی است.

۲. بر اساس نظریه کینزی، تغییر خواسته یا ناخواسته در تقاضای کلی تاثیرات بزرگ کوتاه مدت بر برون داد واقعی و اشتغال دارد ولی بر قیمت تاثیری ندارد.

۳. کینزی اعتقاد دارد که قیمت ها، به ویژه دستمزد، به آهستگی به تغییرات عرضه و تقاضا واکنش نشان می‌دهد، که منجر به کاهش و مازاد دوره‌ای به ویژه در کار می‌گردد.

۴. این نظریه فکر نمی‌کند که سطح نمونه بیکاری ایده آل است، قسمتی به دلیل این که بیکاری موضوع تمایل فکری به تقاضای کلی است، و قسمتی هم به دلیل این که باور دارند قیمت‌ها بتدریج متوازن می‌شوند.

۵. بسیاری، اما نه همه، طرفداران کینزی از سیاست ثبات در عمل برای کاهش دامنه چرخه شغلی طرفداری می‌کنند، زیرا که آن را از مسائل بسیار مهم اقتصادی به شمار می‌آورند.

۶. سرانجام، با اتفاق کم، برخی از طرفداران کینزی با مبارزه با بیکاری بیشتر از غلبه بر تورم سروکار دارند^۱ (بلایندر، ۲۰۰۸).

در نیمه اول قرن هیجدهم فرانسوا کنه، پزشک دربار فرانسه، مکتب اقتصادی فیزیوکراسی یا طبیعت گرایی را بنیان گذاشت. پیروان او مرکانتیلیسم یعنی سوداگری (عقیده به این که دولت باید فعالیت‌های اقتصادی را منظم کند تا تعادل مناسبی در بازرگانی به وجود آید) را مورد انتقاد شدید قرار دادند. آنها نخستین اقتصاددانانی بودند که اندیشه‌های اقتصادی خود را سازمان دادند و مکتب مشخصی به وجود آوردند. فیزیوکرات‌ها عقیده داشتند که اقتصاد یک جامعه، نظام کاملی است که به طور طبیعی و منظم کار می‌کند و این نظام را باید به حال خود گذاشت، زیرا هرگونه دخالت در آن زیان آور است و نظم طبیعی را به هم می‌زند. آنها زمین و کشاورزی را تنها تولیدکننده ثروت می‌دانستند و می‌گفتند زمین بیش از آنچه می‌گیرد بازده دارد، ولی صنعت و بازرگانی چنین نیستند.

آدام اسمیت، اقتصاددان اسکاتلندی با انتشار کتاب ثروت ملل، نظریه‌های اقتصادی خود را شرح داد. اندیشه‌های او پایه علم اقتصاد امروزی و به ویژه نظام اقتصادی سرمایه داری است. او عقیده داشت که رقابت آزاد و تجارت آزاد سبب رشد اقتصادی می‌شود و هدف اصلی دولت در اقتصاد، باید تشویق رقابت باشد. اسمیت و پیروان او به

1. Alan S. Blinder

اقتصاددانان کلاسیک معروفند و پیروان او هرچند در همه زمینه‌ها با یکدیگر توافق نداشتند، با این همه، بخشی از اندیشه‌های اسمیت را گسترش دادند. بعضی از اندیشمندان قرن نوزدهم با این نظر که رقابت میان تولیدکنندگان سبب رشد اقتصاد می‌شود، مخالفت کردند. در میان این عده مهم تر از همه کارل مارکس، فیلسوف آلمانی بود. او در کتاب خود به سال ۱۸۶۷ با نام سرمایه به مفهوم استثمار و بهره‌کشی انسان از انسان توجه اساسی کرد. به عقیده مارکس، در همه شکل‌های تولید، رابطه میان دارندگان ابزار تولید و اکثریت بی بهره از آن رابطه استثمارگرانه است، یعنی در تقسیم حاصل تولید، مالکان ابزار تولید سهم عمده‌ای را به نام حق مالکانه یا سود سرمایه برداشت می‌کنند و سهم کوچکی را به تولیدکنندگان می‌دهند. او این عمل را استثمار نامید و تفاوت میان دستمزد کارگران و ارزش کالای تولید شده را ارزش اضافی کار نامید. این ارزش اضافی کار نزد زمینداران و صاحبان سرمایه متمرکز شده، منبع سود، اجاره و بهره می‌شود. او معتقد بود که سرمایه تنها کار ذخیره انبار شده هست و سهمی از تولید نباید به آن تعلق گیرد. نیروی انقلابی قدرتمند مارکسیسم و مرگ آن به برخی ویژگی‌های آن یعنی اقتصاد، نظریه اجتماعی، و نگاه کلی آن مربوط است. او همچنین فلسفه و اقتصاد را درهم آمیخت تا نظریه بنیادین تاریخ انسان و تغییر اجتماعی را ارائه کند و بدین ترتیب نظام سرمایه داری را نظامی مبتنی بر هرج و مرج و عدم کنترل نامید (پریچیتکو، ۲۰۰۸).

جان مانیار کینزی، این عقیده را که بازار آزاد همواره به رفاه جامعه می‌انجامد و بیکاری را از میان می‌برد، مورد انتقاد قرار داد. کتاب مشهور او با عنوان نظریه عمومی در باره اشتغال، بهره و پول در این باره است. او معتقد است باید دخالت دولت در کارهای اقتصادی را پذیرفت و در دوره رکود اقتصادی دولت می‌تواند با افزودن بر هزینه‌های خود به کاهش رکود کمک کند.

گروهی از اقتصاددانان نیمه قرن بیستم که مونتاریست نام گرفته اند، بسیاری از نظریه‌های کینز و پیروان او را مردود شمردند و معتقدند که برای ثابت نگاه داشتن قیمت‌ها و تشویق رشد اقتصادی، دولت باید ذخیره مالی خود را با آهنگی منظم افزایش دهد. مشهورترین چهره این گروه میلیتون فریدمن اقتصاددان امریکایی، از مخالفان سرسخت دخالت دولت در اقتصاد است (شورای کتاب کودک، ۱۳۷۱-۱۳۹۱).

نظام‌های اقتصادی مهم جهان

امروزه در جهان سه نظام اقتصادی مهم وجود دارد که عبارتند از: **نظام اقتصادی سرمایه داری یا بازار آزاد**: این نظام بر اصل مالکیت خصوصی و بازار آزاد، یعنی رقابت و داد و ستد داخلی و بین المللی قرار دارد. طرفداران این نظام عقیده دارند که نفع شخصی، بازار آزاد را به خوبی می‌گرداند و رشد اقتصادی و رفاه اجتماعی را به وجود می‌آورد. به همین سبب باید داد و ستد به حال خود گذاشته شود و دولت در آن دخالت نکند ... از ایرادهای مهمی که به نظام سرمایه داری گرفته می‌شود این است که در این نظام درآمد و ثروت به طور عادلانه میان گروه‌های اجتماعی تقسیم نمی‌شود و تقریباً همه درآمدها در اختیار سرمایه داران قرار می‌گیرد و بازار آزاد بر اثر نابسامانی‌های درونی دچار بحران‌های پی در پی می‌شود و نتیجه آن دخالت دولت‌ها در اقتصاد است (شورای کتاب کودک، ۱۳۷۱-۱۳۹۱، ج ۳، ص ۱۲۴).

اقتصاد بازار آزاد، متشکل از خانه و شرکت‌ها است که در انجام امور جهت رضایتشان آزاد هستند. مالکیت خصوصی بر کالای افراد و همچنین بر کالاهای تولیدی وجود دارد، خرید و فروش اساس بازارها را تشکیل می‌دهد و مالکیت خصوصی بر حقوق خرید و فروش اعمال می‌شود. شرکت‌ها کالای مشتری مدار را به افراد و کالای تولیدکنندگان را به سایر شرکت‌ها می‌فروشند. افراد خدمات تولیدی - برای مثال کار - خود را به شرکت‌ها می‌فروشند و خرید و فروش اساس بازارها را تشکیل می‌دهد و قیمت در چنین بازاری بر اساس عرضه و تقاضا شکل می‌گیرد. در نظام اقتصاد بازار آزاد پنج نوع تخصیص وجود دارد که شیوه تولید و توزیع را تعیین می‌کند. (۱) تخصیص کالای افراد بین افراد؛ (۲) تخصیص کالاهای تولیدی بین شرکت‌ها؛ (۳) تخصیص کار بین شرکت‌ها؛ (۴) تخصیص زمان؛ و (۵) سرمایه گذاری برای آینده. در هر یک از سه نوع اول دولت دخالتی ندارد و نظام سود و قیمت در آن دخالت دارد. در مورد چهارم تصمیم با افراد است و در نوع پنجم تخصیص بر مبنای نیاز حال و آینده انجام می‌گیرد (دایره المعارف امریکانا، ۱۹۷۲).

نظام اقتصادی با برنامه ریزی مرکزی (سوسیالیستی): این نظام بر اصل مالکیت اجتماعی وسایل تولید و دخالت دولت در اقتصاد قرار دارد. در نظام اقتصادی سوسیالیستی همه عوامل وسایل تولید و توزیع کالا در مالکیت همه مردم است و دولت به نمایندگی از طرف مردم کشور به اداره آنها می‌پردازد. برنامه ریزی اقتصادی به وسیله

دولت انجام می‌گیرد. تعیین دستمز ها، بهای کالا ها، و خدمات نیز با دولت است. هدف اقتصاد سوسیالیستی جلب همکاری مردم به جای رقابت میان تولیدکنندگان خصوصی، تقسیم عادلانه درآمدها و تامین خدمات برای هر یک از افراد جامعه است. آزادی مصرف و آزادی اشتغال به کار تا آنجا که به جامعه زیان نرساند، حفظ می‌شود. کشورهایمانند چین، کوبا و کره شمالی دارای نظام اقتصادی سوسیالیستی هستند (شورای کتاب کودک، ۱۳۷۱-۱۳۹۱، ج ۳، ص ۱۲۴-۱۲۵).

نظام اقتصادی مختلط (ارشادی): دخالت دولت در نظام اقتصادی سرمایه داری، کم کم نظام اقتصادی مختلط را پدید آورد. در این نظام، دخالت دولت در اداره سازمان‌های تولیدی و بعضی سازمان‌های خدماتی و همچنین در برنامه ریزی اقتصادی کشور بسیار بیشتر از نظام سرمایه داری است. نظام اقتصادی کشورهایمانند انگلستان و سوئد از نوع مختلط است (فرهنگنامه کودکان و نوجوانان، ج ۳، ص ۱۲۴-۱۲۵). نه اقتصاد متمرکز و نه اقتصاد بازار آزاد هرگز به صورت کامل و خالص یافت نمی‌شوند. برای مثال در کشورهای با اقتصاد متمرکز، افراد در خرج درآمد خود آزادند و در کشورهای با بازار آزاد هم دولت مالکیت اداراتی را بر عهده دارد و تمام قیمت‌ها بر پایه عرضه و تقاضا شکل نمی‌گیرند، برای مثال میزان مصرف عمومی به وسیله دولت تعیین و تثبیت می‌شود. بنابراین، هر دو گروه از کشورها از اقتصاد مرکب (مختلط) استفاده می‌کنند. اما در کشورهای نوع اول گرایش به سمت اقتصاد متمرکز و در ترکیب اقتصادی کشورهای مبتنی بر بازار گرایش بیشتر به سمت اقتصاد بازار آزاد است. تخصیص بسیاری از منابع به وسیله دولت صورت می‌گیرد، برای مثال، در زمینه آموزش سرمایه گذاری می‌کند. دولت‌های محلی در زمینه‌های راهبردی چون اداره پست، نظام دفاعی، تحقیقات فضایی سرمایه گذاری می‌کنند. بخشی از اعتبار تخصیص منابع از طریق مالیات و بخشی دیگر با استقراض دولت انجام می‌گیرد (دایره المعارف امریکانا، ۱۹۷۲).

بازار آزاد و کارکرد آن

بازار آزاد واژه خلاصه برای تنظیم مبادلاتی است که در جامعه صورت می‌گیرد. هر مبادله (معامله)‌ای به منزله موافقت داوطلبانه‌ای است که میان دو نفر یا دو گروه از افراد به عنوان نماینده سازمانی اجرا می‌شود. این دو فرد یا سازمان دو کالای اقتصادی، متاع

ملموس یا خدمات غیر ملموس را مبادله می‌کنند. بدین ترتیب، وقتی فردی برای شرکتی کار می‌کند، خدمت کاری را، به شیوه‌ای دو جانبه، در قبال حقوق مالی مبادله می‌کند. هر دو طرف معامله اقدام به مبادله می‌کنند زیرا هر یک انتظار دارند از آن سودی بدست آورند. هر طرف همچنین مبادله را دفعه بعد تکرار می‌کند (یا از آن خودداری می‌کند)، اگر انتظارات او در گذشته نزدیک، درست یا نادرست بوده باشد. بازرگانی، یا مبادله با دقت همراه است زیرا هر دو طرف از آن سود می‌برند، اگر آنها انتظار کسب سود نداشته باشند، به مبادله اقدام نمی‌کنند.

بازار آزاد قلمرو وسیعی را در اختیار کارفرمایان قرار می‌دهد، کسانی خطر سرمایه خویش را برای تخصیص منابع جهت جلب رضایت و خواست مشتریان انبوه در آینده، در حد ممکن می‌پذیرند. پس انداز و سرمایه گذاری کالاهای سرمایه‌ای را گسترش داده و بهره وری و دستمزد کارگران و به واسطه آن سطح زندگی آنها را افزایش می‌دهد. بازار آزاد رقابتی نوآوری فن آورانه را هم به منظور ارضای نیاز مشتریان به طریقی جدید و خلاقانه پاداش داده و برمی‌انگیزد. بدین ترتیب نه تنها سرمایه گذاری تشویق می‌شود بلکه مهم تر از آن، نظام قیمت گذاری و مشوق‌های سود و زیان بازار، سرمایه گذاری کلان و تولید را در مسیر درستی هدایت می‌کند. شبکه پیچیده توان غریبال کردن و شفاف سازی تمام بازار را دارد و از این رو کاهش و مازاد ناگهانی، پیش بینی نشده، و غیر قابل توضیح در هر قسمتی از نظام تولید وجود نخواهد داشت.

اما مبادلات ضرورتاً آزاد نیستند و بسیاری از آنها تحمیلی هستند. سرقت نتیجه تحمیل است و بازار آزاد محسوب نمی‌شود. در چنین شرایطی بهره کشی اتفاق می‌افتد که مربوط به بازار آزاد نیست و بلکه به بهره کشی فرصت طلب از قربانی خود مربوط است و در بلندمدت به کاهش تولید، پس انداز، و سرمایه گذاری؛ تهی شدن موجودی سرمایه؛ و کاهش بهره وری و سطح زندگی برای همه و حتی خود بهره کش می‌شود. منتقدان بازار آزاد حقوق مالکیت را در تعارض با حقوق بشر می‌دانند، ولی از نظر طرفداران بازار آزاد حقوق بشر به معنی همه حقوق از آزادی بیان تا مالکیت فردی است. اتهام متداول دیگر علیه جامعه با بازار آزاد این است که آن قانون جنگل را بنا می‌نهد و همکاری انسانی را فدای رقابت می‌کند و موفقیت مادی را در برابر ارزش‌های معنوی، فلسفه، و فعالیت‌های فراغت و آسایش تمجید می‌کند (روثبارد^۱، ۲۰۰۸).

اطلاعات: مفهوم، ماهیت، انواع و ویژگی‌ها

تعریف اطلاعات: کثرت نگاه

درباره این پدیده، همچون سایر پدیده‌های بنیانی نظیر انرژی، جاذبه، حیات، عدالت، و مانند آن؛ تاکنون تعریفی دقیق و رسمی ارائه نشده است (ساراسویچ^۱، ۱۹۹۹، نقل از حری، بی تا.). متخصصان حوزه‌های مختلف موضوعی بیشتر کوشیده‌اند جلوه‌ها و ویژگی‌های آن را - تا آنجا که به حوزه تخصصی آنان مربوط می‌شود - تعیین کنند. به همین سبب، اطلاعات در قلمروهایی چون ریاضیات، زبان‌شناسی، اقتصاد، روان‌شناسی، ارتباطات، و جز آن توسط صاحب‌نظران مورد مطالعه و تحلیل قرار گرفته و خصیصه‌های متفاوتی برای آن برشمرده‌اند (ریچی^۲، ۱۹۹۱)؛ به‌طور مثال، از دیدگاه فیزیک و زیست‌شناسی، اطلاعات ویژگی اصلی عالم معرفی می‌شود (استونیر^۳، ۱۹۹۷)؛ در روان‌شناسی به منزله متغیری است که با برداشت حسی، ادراک، یا دیگر فرایندهای روانشناختی سروکار دارد؛ و در حوزه‌های اطلاع‌رسانی و ارتباطات به‌طور گسترده‌ای با پیام‌ها ارتباط می‌یابد (تاکوسوتکلیف^۴، ۱۹۹۵، نقل از حری، بی تا.). اطلاعات را نه تنها متضمن پیام، بلکه متأثر از وضعیت، نوع کارکرد، ویژگی مسئله‌ای خاص، و جز آن نیز دانسته‌اند (ورسیگ^۵ و نولینگ^۶، ۱۹۷۵؛ بلکین^۶، ۱۹۷۶، نقل از حری، بی تا.).

گونه‌شناسی مطالعات ماهیت اطلاعات در ایران و جهان

در زمینه ماهیت اطلاعات در ایران و جهان دو دسته از آثار منتشر شده است.

- آثاری که عموماً به محرک‌های اطلاعات، کاربرد اطلاعات و علوم مربوط به اطلاعات نظیر تاریخ کتابداری، فلسفه کتابداری، فلسفه اطلاع‌رسانی، و فلسفه کتابداری و اطلاع‌رسانی پرداخته‌اند.
 - گروه دوم آثاری هستند که اخذ و کاربرد روش‌شناسی‌های مبتنی بر نظریه اطلاعات و عملیات رایانه‌ای در حل مسائل فلسفی را مورد مطالعه قرار داده‌اند. مجله اطلاع‌شناسی و کتاب فلسفه اطلاعات آثاری از این نوع در ایران هستند.
- ماهیت اطلاعات.** کاپورو معتقد است در بررسی تاریخی یک کلمه می‌توان به

1. Sarcevic, Tefko
 2. Ritchie, L. David
 3. Stonier, T.
 4. Tague-sutcliff, J.
 5. Wersig, G.; Nevelling, U.
 6. Belkin, N.J.

صورت‌هایی رسید که بنیاد علمی سطح بالاتر بوده اند و در رفع ابهام از آن یاری می‌کنند. او معتقد است امروزه کلمه اطلاعات اغلب در معنی مخابره معرفت به کار می‌رود و رواج آن مبتنی بر پیش فرض‌ها و مبادی خاصی بوده است و در بحث ریشه شناسی، آن را از ریشه لاتینی و منشا یونانی می‌داند. جانسون در واژه نامه خود سه کاربرد از واژه اطلاعات را ذکر می‌کند. (۱) خبر ارائه شده، (۲) آموزش؛ (۳) اتهام واره به کسی؛ (۴) اعطاء صورت یا تحقق و فعلیت بخشیدن^۱ به چیزی. کاربردهای اول و دوم معرفت شناختی و کاربرد سوم وجود شناختی است. دو کارکرد اول و سوم در دو بستر به کار رفته اند اولی در بستر غیر ملموس و روحانی که به حوزه اخلاق و تعلیم و تربیت مربوط می‌شود و شخصیت افراد را شکل می‌دهد و سومی در بستر ملموس و جسمانی که به صورت دادن چیزی (ساختن چیزی) تاکید می‌کند (کاپورو و یورلند، ۲۰۰۳، نقل از خندان، ۱۳۸۸). در مبحث اقتصاد اطلاعات تکیه اصلی بر کارکرد سوم اطلاعات است و برای این مطالعه اهمیت دارد.

انواع اطلاعات. اطلاعات را از دو جنبه عمده تقسیم‌بندی می‌کنند: یکی از لحاظ ساختاری و دیگری از لحاظ معنایی، که هریک از این دیدگاه‌ها خود گروه‌های فرعی‌تری را دربر می‌گیرد.

الف. جنبه ساختاری. ساختار اطلاعات، مستقل از جنبه‌های معنایی آن مطرح می‌شود و ممکن است برحسب ایستایی یا پویایی آن ارزیابی شود. زمانی که اطلاعات به صورت بسته‌ای تغییرناپذیر در نظر گرفته شود از نوع ایستاست؛ مانند اطلاعاتی که در کتاب، تصویر، صفحه فشرده، و مانند آن ضبط و نگهداری می‌شود. هرگاه اطلاعات در جریان کنش یا تعامل، دستخوش حک و اصلاح، تحلیل، یا پردازش گردد از نوع پویاست. نوع اول را فرآورده و نوع دوم را فرایند می‌خوانند. توصیف‌های ساختاری اطلاعات - صرف نظر از اینکه آن را فرآورده یا فرایند بدانیم - همانند رویکردهای معمول نسبت به اطلاعات، از منظر واحدی صورت نمی‌گیرد و متأثر از نظرها و برخوردهای افراد مختلف نسبت به پدیده اطلاعات است.

ب. جنبه مفهومی. دو نگرش را می‌توان درباب مفهوم اطلاعات شناسایی کرد، که یکی

1. intelligence given

2. charge or accusation given

3. actuation

4. Capurro, R. & Hjørland, B.

اسنادی^۱ و دیگری کارکردی^۲ است. اسنادگرایان اطلاعات را ویژگی کلیه عناصر و نظام‌ها می‌دانند، یعنی این خصیصه را به وجود آنها نسبت می‌دهند؛ درحالی‌که کارکردگرایان اطلاعات را فقط با عملکرد نظام‌ها مرتبط می‌دانند (موکی، زامبورف، و شیگی^۳، نقل از حری، بی تا). طرفداران نظریه ریاضی اطلاعات را می‌توان جزو اسنادگرایان و مدافعان نظریه معناشناختی را می‌توان از زمره کارکردگرایان دانست.

تعامل اطلاعات با مفاهیم دیگر. اطلاعات با مفاهیم دیگری نیز سنجیده شده یا تأثیر و تأثر آنها مطالعه می‌شود که بعضی از مهم‌ترین آنها را می‌توان اطلاعات و آنتروپی، اطلاعات و احتمال، اطلاعات و بی‌نظمی، و اطلاعات و ارتباطات دانست که هر یک نیازمند توضیح بیشتری هستند. در مجموع، می‌توان گفت که علی‌رغم حضور اطلاعات در کلیه فرآورده‌ها، فرایندها، عناصر، و پدیده‌ها و کاربرد گسترده آن در عرصه‌های گوناگون، تبیین ماهیت آن مورد توافق و اجماع متخصصان نیست، هرچند این نقیصه هرگز از اهمیت آن نکاسته است (حری، بی تا).

اقتصاد اطلاعات: تعریف، ویژگی‌ها، کارکردها و کاربردها

اقتصاد اطلاعات نظریه‌ای در اقتصاد خرد است که به دلیل منحصر به فرد بودن ماهیت اطلاعات توسعه داده شده است. اگرچه تقریباً همه چیز در جهان، شامل اطلاعات، کالا محسوب می‌شود اما در باره همه آنها به یک نسبت رفتار نشده است. اقتصاد اطلاعات ویژگی‌های منحصر به فرد اطلاعات را گرفته و آنها را در یک نظریه اقتصادی بسیار مورد قبول به کار می‌برد. در اقتصاد متعارف و معمول، خرید و فروش کالاها به این مفهوم است که آنها دیگر قابل مصرف به وسیله دیگران، حداقل در شرایط یکسان، نیستند. اگر فردی پیراهنی خریداری کند، دیگران به طور معمول از استفاده آن محروم می‌شوند. نظریه محروم شدن نکته قانونی اکثر نظریه‌های اقتصادی است.

نظام اقتصادی نوینی شکل گرفته است و این نظام با استفاده از فناوری‌های نوین و شبکه‌های ارتباطی وسیع و جهان‌گستری به تبادل اطلاعات می‌پردازد و علمی که به مطالعه اطلاعات و سرمایه‌گذاری در زمینه‌های جدید مثل تولید، گردآوری و توزیع اطلاعات جهت توسعه اقتصادی می‌پردازد «اقتصاد اطلاعات» نام گرفته است (جعفری،

1. Attributive

2. Functional

3. Moki, V.S.; Zhamborova, A.O.; Shegay, O. E.

(۱۳۸۹).

بنابراین، اقتصاد اطلاعات تعیین می‌کند که ارزش مالی (پولی) اطلاعات بایستی به طریقی ارائه شود تا فرصتی را برای تجارت اطلاعات، اگر که خواسته نهایی فروشنده این باشد، فراهم آورد. نسخه‌های چاپی ممکن است بر اساس تقاضا، گاهی در قبال هزینه اندکی برای جبران هزینه تکثیر و پست اطلاعات، در دسترس قرار گیرند. گزارش‌های داخلی تهیه شده به منظور مصرف داخلی در آژانس یا شرکت احتمال دارد در دسترس عموم مردم نباشند، زیرا که ممکن است دارای اطلاعات محرمانه یا مالکانه باشند (وایزگیک^۱، ۲۰۱۲) و بدین ترتیب بتوان برای قالب‌های مختلف اطلاعات هزینه‌های متفاوتی تعیین و اخذ نمود.

منشا بسیاری از مسائل بازار و سایر سازمان‌ها از اطلاعات با ارزش، و بسیاری از ویژگی‌ها و پاسخ (واکنش)‌های آنها به اطلاعات با ارزش است. خیلی از نظریه‌ها و اصول مهم در دنیای اقتصاد مبتنی بر پیش فرض‌هایی در باره اطلاعات کامل (درست) است، که در بین آنها سه مورد برجسته عبارت از کارایی، استفاده کامل از منابع، و قیمت واحد هستند.

این نوع اقتصاد در سه بستر مجزاً اما مرتبط مطرح می‌گردد. نخست بستری است که در آن، اطلاعات تعریف می‌شود و ویژگی‌های اقتصادی آن مشخص می‌گردد؛ دیگری بستر اقتصاد کلان است که، در آن، نقش اطلاعات در ساختار اقتصاد ملی توصیف و تا حد ممکن سنجیده می‌شود؛ و سوم، بستر اقتصاد خرد است که، در آن، ارزش‌ها و هزینه‌های اقتصادی وابسته به اطلاعات به شکل‌های خاص مورد بحث قرار می‌گیرد.

ویژگی‌های کلی اقتصاد اطلاعات. به جز آنچه گذشت، اطلاعات دارای ویژگی‌هایی است که مستقیماً بر تصمیم‌های مربوط به اطلاعات در سطوح اقتصاد خرد و کلان تأثیر می‌گذارد. استقلال ذاتی اطلاعاتی؛ ارزش نامعلوم اطلاعات؛ تأثیر زمان بر ارزش اطلاعات؛ تفاوت درک از اطلاعات؛ تأثیر فاصله بر چگونگی استفاده از اطلاعات؛ افزایش ارزش اطلاعات از طریق گردآوری؛ خودزایی و گسترش‌پذیری اطلاعات؛ استقلال هزینه اطلاعات نسبت به مقیاس تقاضا؛ از ویژگی‌های کلی اقتصاد اطلاعات است اما دو ویژگی عمومی و خصوصی بودن، و انعطاف‌پذیری قیمت اطلاعات به لحاظ کاربرد و اقتصاد اطلاعات حائز اهمیت ویژه‌ای است که به آنها اشاره می‌شود.

عمومی بودن اطلاعات. هرگاه آنچه برای کسی تدارک دیده شده است بتواند به‌طور رایگان در دسترس دیگران قرار گیرد، اقتصاددانان در مورد آن از اصطلاح "کالای عمومی" استفاده می‌کنند. اطلاعات به‌واسطه استفاده دیگران یا منتقل شدن به دیگران از دست نمی‌رود و تمام نمی‌شود، می‌توان آن را دوباره فروخت یا بخشید، بدون اینکه از محتوایش کاسته شود؛ بیش از یک نفر می‌تواند به‌صورت همزمان از اطلاعات واحدی استفاده یا آن را پردازش کند، بدون آنکه از ارزش آن برای دیگران چیزی کاسته شود. همه اینها حاکی از آن است که اطلاعات کالایی عمومی است.

خصوصی بودن اطلاعات. با توجه به نیاز به سرمایه‌گذاری برای ایجاد، تولید، و توزیع کالاها و خدمات، نیاز مشابهی برای بازیافت این سرمایه نیز وجود دارد و گرنه سرمایه‌گذاری صورت نخواهد گرفت. علاوه بر این، ممکن است ارزش واقعی همراه دانش، انحصاری باشد. اگر قرار باشد اطلاعات در دسترس دیگران قرار گیرد، باید انگیزه‌ای برای این کار وجود داشته باشد. از این حیث، بر سر منابع اطلاعاتی رقابت وجود دارد، اگر شرکتی سریع‌تر یا بهتر به اطلاعات دست پیدا کند، ممکن است از لحاظ رقابت بر دیگر شرکت‌ها که به آن اطلاعات دست نیافته‌اند، برتری یابد. برای این شرکت‌ها، ارزش در این است که با اطلاعات به‌عنوان کالایی خصوصی برخورد شود و دسترسی به آن محدود گردد. محافظت در برابر جاسوسی صنعتی تدبیر اقتصادی سنجیده‌ای است.

بیشتر شکل‌های خدمات و کالاهای اطلاعاتی جایی در حد فاصل میان کالاهای کاملاً خصوصی و کالاهای کاملاً عمومی قرار می‌گیرند. در مراحل مختلف فرایند انتقال نیز، به‌طور متناوب این دو شکل وجود دارد. دانش یقیناً کالایی خصوصی است، زیرا منحصر به فردی است که آن را می‌داند و بنا به خواست خود تصمیم می‌گیرد آن را آشکار کند یا به مشارکت بگذارد. با این همه، دانش بی‌پایان است، زیرا حتی اگر به اطلاعات تبدیل گردد و به مشارکت گذاشته شود، باز هم آگاهی از آن جنبه فردی دارد. با این حال، مردم نسخه‌هایی از اطلاعات را می‌خرند و مالک آنها می‌شوند و عدم دسترسی یا محدودیت‌های ناشی از حق مؤلف می‌تواند موجب محرومیت سایر کاربران بالقوه از دسترسی به اطلاعات شود. اما اگر کتابخانه‌ای مواد اطلاعاتی را به‌دست آورد، بار دیگر اطلاعات به کالایی عمومی مبدل می‌گردد که استفاده از آن موجب تمام شدنش نمی‌شود، با هر بار استفاده بیشتر، هزینه استفاده سرشکن شده و به حداقل

می‌رسد و استفاده از آن جنبه غیرانحصاری دارد. حق مؤلف موجب توازن اطلاعات به عنوان کالایی عمومی و کالایی خصوصی می‌شود.

اقتصاد کلان اطلاعات

پورات^۱، در مطالعه برجسته خود با نام "اقتصاد اطلاعات" (هایس، بی تا)، سنجش سنتی اقتصاد ملی یعنی کشاورزی، صنعت، و خدمات را با افزودن بخش اطلاعات به چهار بخش افزایش داد. وی با تکیه بر این ساختار جدید، توزیع نیروی کار را در سه مقوله اصلی (۱) کارگران بخش اطلاعاتی اولیه، (۲) کارگران بخش اطلاعاتی ثانویه، و (۳) کارگران غیراطلاعاتی جای داد.

بخش اطلاعاتی اولیه شامل همه افرادی است که شاغل در سازمان‌هایی هستند که محصول یا خدمات اصلی آنها اساسا اطلاعات‌مدار است. بخش اطلاعاتی ثانویه شامل افرادی است که در سازمان‌های دیگری شاغلند، اما فعالیت‌های آنان نیز اطلاعات‌مدار است. در هر زیربخش، خدمات و محصولات اطلاعاتی را می‌توان با تقسیم‌بندی کلی، اما سودمند، به پنج بخش طبقه‌بندی کرد که زیربخش‌ها دارای شباهت‌های روشنی هستند. شباهت‌های میان زیربخش‌ها نمایانگر آن است که مدیریت آنها امکان انتخاب میان دو گزینه را داراست: یا منابع درون سازمانی به آنها اختصاص می‌یابد یا متکی به منابع بخش اطلاعاتی اولیه هستند. بنا به دلایل مهم مدیریتی، ظاهرا گرایش ثابتی نسبت به بهره‌برداری از بخش اطلاعاتی اولیه، به‌ویژه در حوزه‌هایی چون توسعه نرم‌افزاری و یاددهی وجود دارد.

اقتصاد خرد اطلاعات

این بحث از سه جنبه قابل بررسی است: (۱) ارزش اطلاعات برای تولیدکنندگان، (۲) هزینه‌هایی که آنها برای تولید کالاها و خدمات اطلاعاتی متحمل می‌شوند، و (۳) ارزش اطلاعات برای کاربران که پایه و اساس تمایل آنان برای پرداخت پول در ازای کالاها و خدمات اطلاعاتی است. در ابتدا خدمات و محصولات اطلاعاتی در بخش اطلاعاتی اولیه مورد توجه قرار می‌گیرد، زیرا داده‌ها و آمار مربوط به آنها در دسترس است. اما هزینه‌ها و ارزش‌های درون بخش اطلاعاتی ثانویه نیز، از جنبه اقتصاد خرد، حائز

اهمیت است.

ارزش‌های اطلاعات در استفاده

با توجه به کاربرد اطلاعات ارزش‌های متفاوتی از اطلاعات در استفاده به شرح زیر وجود دارد. ارزش غنی‌سازی فرهنگی، تفریح، و سرگرمی؛ استفاده افراد از اطلاعات به‌منظور آموزش و پیشرفت فردی؛ ارزش خدمات اطلاعاتی برای افراد متخصص؛ و ارزش اطلاعات در تجارت و صنعت از جمله ارزش‌های اطلاعات در استفاده هستند.

اقتصاد دانش محور و رویکرد تجاری سازی اطلاعات

گذر از دوره صنعتی به دوره فن‌آوری اطلاعات و تولید و توسعه فن‌آوری‌های اطلاعاتی و شبکه‌های رایانه‌ای و کاربرد آنها در کلیه فعالیت‌های فکری، اجتماعی و اقتصادی جوامعی را پدید آورده که بیش از هر پدیده‌ای به دانش انسانی متکی است. بخش اعظمی از اشتغال و اقتصاد در این جوامع بر پایه اطلاعات و دانش استوار است که از آن به منزله اقتصاد دانش محور یاد می‌شود. به عبارت دیگر، اقتصاد دانش محور به این مفهوم است که تولید، توزیع و استفاده از دانش نقش اصلی را در آن برای تولید ثروت ایفاء می‌کند. برخی عوامل موثر در توسعه اقتصاد دانش محور عبارتند از: دولت الکترونیک و تجارت الکترونیکی وجوه غالب آن هستند؛ بهبود دائم فناوری و خلاقیت موجب توسعه اقتصادی است؛ فناوری‌های نوین، جهانی شدن، و اقتصاد دانش محور خلاقیت و رقابت را افزایش می‌دهد.

تخصیص منابع در زمینه تحقیق و توسعه یکی از اهم نمادهای ارزشیابی توسعه کشورها محسوب می‌شود. تولید دانش و فن‌آوری فرایند پیچیده‌ای دارد که در طی آن همکاری افراد، سازمان‌ها و گروه‌های مختلف ضرورت می‌یابد. سرآغاز چنین فرایندی خلق ایده بر اثر مسائل و نیاز موجود در محیط و کسب دانش است که سپس با مطالعه در محیط‌های پژوهشی و دانشگاهی توسعه یافته و در محیط‌های صنعتی به تولید انبوه می‌رسد. مفهوم تجاری سازی دانش و فناوری، به ثمر نشاندن نتایج تحقیقات تولید شده از طریق کاربرد در خارج از محیط پژوهشی یعنی صنایع تولیدی است. در واقع تجاری سازی ورود دانش تولیدی به بازار صنعت و تجارت به منظور کسب درآمد اقتصادی است. این فرایند با گذر از مراحل طرح ایده، طراحی، توسعه، افزایش تولید،

بازار یابی و فعالیت‌ها برای ارتقاء محصول انجام می‌شود و در واقع رابطه‌ای را میان سازمان‌های پژوهشی و بازار ایده و محصول فراهم می‌آورد. تصویب و ابلاغ آیین نامه نحوه مشارکت پژوهشگران در سود حاصل از فروش نتایج پژوهش یکی از سیاست‌های اجرایی آموزش عالی در برنامه چهارم توسعه کشور است که خود اتکایی دانشگاه‌ها و موسسات پژوهشی به لحاظ منابع مالی و کاهش حمایت دولت را هدف گرفته است.

افزایش استانداردهای زندگی، کیفیت زندگی، تولید ثروت و رشد اقتصادی از نظر معتقدان به تجاری سازی، سطح دیگری از نتایج مورد انتظار است (فاطمی، ۱۳۸۵). رویکرد تجاری سازی تحقیقات دانشگاهی گاهی با عنوان سرمایه داری دانشگاهی شناخته می‌شود. این رویکرد به معنی دانشگاه‌های کارآفرین است و اعضای هیئت علمی آنها در صدد جستجوی منابع مالی جدید هستند و صرفاً مرکز پژوهش و یادگیری به شمار نمی‌آیند. آنها در محیط به شدت رقابتی و غیر حمایتی فعالیت می‌کنند و مجبور به تقویت و متنوع کردن روابط خارجی، بازرنگری و ایجاد تغییر در ساختار داخلی دانشگاه هستند. منظور از تجاری سازی تحقیقات، فروش خدمات پژوهشی در مقابل دریافت وجه نقد در چارچوب قراردادهای پژوهشی مشترک است (هاشم نیا، ۱۳۸۸). راه کار و موانع تجاری سازی تحقیقات در شکل ۱ نشان داده شده است.



شکل ۱. موانع تجاری سازی دستاوردهای تحقیقاتی

با توجه به اهمیت اطلاعات در کلیه فعالیت‌های انسانی و در فرایند اقتصاد بازار آزاد و رقابتی و تنظیم و موازنه بازار برای تصمیم‌گیری مناسب در شرایط نامطلوب (معیوب) چنین بازاری از یک طرف و کالا شمردن اطلاعات به لحاظ ارزش اقتصادی از سوی دیگر؛ رویکرد اقتصاد و تجاری سازی اطلاعات مسائل مربوط به تولید، انتقال و مصرف اطلاعات را از منظر اقتصاد بازار آزاد و رقابتی و تنظیم بازار مورد بررسی و اجرا قرار می‌دهد.

اقتصاد اطلاعات: رویکردی جدید به اطلاعات در ایران

چنان که در ابتدا و نیز امتداد بحث اشاره شد، اقتصاد اطلاعات از جمله حوزه‌هایی است که از رابطه و تعامل علم اطلاعات با حوزه اقتصاد پدید آمده است و نشانه بلوغ و تحول از جامعه صنعتی به جامعه اطلاعاتی و دانش محور است. رویکرد اقتصاد اطلاعات در درون خویش پیش فرض، نگرش، ساختار اجتماعی اقتصادی، فرایند‌ها، و زیر ساخت‌های مختص به خویش را دارد و تمایل به اجرای آن مستلزم پذیرش و فراهم سازی بستر اجرایی این مجموعه است.

کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی و حمایت‌های مالی دولتی از دانشگاه‌ها از یک سو، و نظر به سوی بازار اشتغال و نیازهای متفاوت داخلی، و شرایط بقا در دنیای به هم تنیده کنونی از سوی دیگر، زمینه سیاست‌گذاری جدیدی را در کشور در راستای اقتصاد اطلاعات پیش کشیده است. رویکرد و فرهنگ بومی سازی علوم و به ویژه بومی سازی علوم انسانی، در سطح کشور نگرش حاکم است و مبحث کارآفرینی برای ایجاد خوداشتغالی و ایجاد فرصت‌های اشتغال مورد توجه بوده است. ترویج و ارتقاء کرسی‌های ترویجی، نقد و نظریه پردازی در دانشگاه‌ها برای تولید علم و نیز بازنگری برنامه‌های آموزشی در سطح وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به صورت جدی برای پاسخگویی به نیازهای مختلف بازار اشتغال داخلی و رفع مسائل و معضلات پیش روی بخش‌های مختلف در سطح کشور است.

چندی است که به لحاظ رویکرد فکری و ساختار اقتصادی- اجتماعی موجود کنونی، این دیدگاه در محافل و مباحث حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی در داخل کشور مورد عنایت خاصی قرار گرفته است، منابعی منتشر شده، کنفرانسی در سطح دانشجویی برگزار شده و نشست‌های تخصصی درون و برون دانشکده‌ای نیز این موضوع را ترویج

کرده است. اما موضوع بسیار حیاتی و مهم در این فرایند تغییر و چرخه اصلاح، توجه به تحلیل اساسی و صحیح از مدل‌های نظری موجود، و گزینش و کاربرد مفیدترین آنها برای رسیدن به آرمان‌ها و اهداف مورد نظر است. به نظر می‌رسد حوزه اقتصاد اطلاعات از جمله مباحث اساسی است که نیازمند تحلیل، درک و شناخت کامل است تا بتوان از طریق تصمیم سازی درست هم به بومی سازی پرداخت و هم مانع از آسیب‌های احتمالی به فرهنگ کشور گردید.

یافته‌های تحقیق

پیش فرض (شاخص)‌های نظام‌های اقتصادی مهم جهان

بر اساس مطالعه و تحلیل محتوای کیفی متون جامعه آماری، پیش فرض (شاخص)‌های سه نظام اقتصادی استخراج و به شرح زیر در جدول شماره ۱ و شاخص‌های برگرفته از منابع حوزه اقتصاد اسلامی، آثار علما و اندیشمندان سرشناس ایرانی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان پیش فرض (شاخص)‌های بومی مربوط به ایران در جدول ۲ و مقایسه شاخص‌ها در جدول ۳ ارائه شد.

جدول ۱. پیش فرض (شاخص)‌های نظام‌های اقتصادی مهم جهان

ردیف	نظام اقتصادی سرمایه داری (بازار آزاد)	نظام اقتصادی با برنامه ریزی مرکزی (سوسیالیستی)	نظام اقتصادی مختلط (ارشادی)
۱	مبنای مکتب طبیعت گرایی	اصل مالکیت اجتماعی وسایل تولید	نظام اقتصادی سرمایه داری
۲	مالکیت خصوصی	مبنای نظریه سیستمی	بازار آزاد همراه با کنترل
۳	نظریه زیست	دخالت و کنترل دولت در اقتصاد	نظریه احتمال
۴	نظریه زیست شناختی	مالکیت همه مردم بر عوامل وسایل تولید و توزیع کالا	نظریه سیستمی
۵	نظریه بازی	اداره وسایل تولید و توزیع کالا توسط دولت به نمایندگی از مردم	دخالت دولت در اقتصاد
۶	نظریه نظم و بی نظمی	برنامه ریزی اقتصادی به وسیله دولت	دخالت دولت در اداره سازمان‌های تولیدی
۷	نظریه احتمال	تعیین دستمزها، بهای کالا	دخالت دولت در بعضی سازمان‌های

ردیف	نظام اقتصادی سرمایه داری (بازار آزاد)	نظام اقتصادی با برنامه ریزی مرکزی (سوسیالیستی)	نظام اقتصادی مختلط (ارشادی)
		ها، و خدمات با دولت	خدماتی
۸	بازار آزاد و عدم کنترل	هدف جلب همکاری مردم میان تولیدکنندگان خصوصی	دخالت بیشتر دولت در برنامه ریزی اقتصادی کشور نسبت به نظام سرمایه داری
۹	رقابت و داد و ستد داخلی و بین‌المللی	نبود رقابت	نفی اقتصاد متمرکز به صورت کامل و خالص
۱۰	گردش بازار بر اساس نفع شخصی	تقسیم عادلانه درآمدها و تامین خدمات برای هر فرد جامعه	نفی اقتصاد بازار آزاد به صورت کامل و خالص
۱۱	خیر و صلاح عمومی بر پایه رقابت و نفع شخصی	آزادی مصرف در حد نفع جامعه	تخصیص بسیاری از منابع مانند زمینه آموزش به وسیله دولت
۱۲	رشد اقتصادی	آزادی اشتغال در حد نفع جامعه	سرمایه‌گذاری دولت‌های محلی در زمینه‌های راهبردی چون اداره پست، نظام دفاعی، تحقیقات فضایی سرمایه‌گذاری
۱۳	رفاه اجتماعی	قدرت دولت در کنترل	اعتبار تخصیص بخشی از منابع از طریق مالیات
۱۴	عدم دخالت	انحصار دولتی	اعتبار تخصیص بخشی دیگر با استقراض دولت
۱۵	توزیع نا عادلانه درآمد و ثروت میان گروه‌های اجتماعی		
۱۶	انحصار توسط سرمایه داران		
۱۷	نابسامانی‌های درونی و بحران‌های پی‌درپی		
۱۸	دخالت دولت‌ها در اقتصاد		
۱۹	خرید و فروش		
۲۰	تنظیم قیمت بر اساس عرضه و تقاضا		

پیش فرض‌های فلسفی اطلاعات

تفاوت در پیش فرض‌های هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی عموماً به ارائه نظریه‌های اطلاع‌شناختی متفاوتی می‌انجامد. در سرفصل ماهیت اطلاعات به زمینه "چیستی و ماهیت اطلاعات" پرداخته ایم. سه کاربردی از اطلاعات که در مدخل ماهیت نام برده شده منشأ مباحثات فراوانی بوده است. کاربرد دو مفهوم کاملاً متناقض برای اطلاعات در استفاده از واژه انگلیسی good (خیر و صلاح عمومی در برابر کالا) که به بحث اقتصاد اطلاعات کاملاً مرتبط است، از این نوع است که زمینه سوء برداشت‌هایی از این مفهوم را در کاربرد اقتصاد اطلاعات به معنی کالا فراهم ساخته است. در حالی که با بررسی مفهوم آن در واژه نامه‌های معتبر نشان می‌دهد که از این واژه بیشتر مفهوم خیر و صلاح عمومی استنباط می‌شود. بنابراین، حداقل دو پیش فرض مهم در حوزه مفهومی اطلاعات یعنی خیر عمومی و کالا در طول تاریخ استفاده از اطلاعات در بین مکاتب فلسفی رواج داشته و اکنون نیز وجود دارد. در جوامعی با نظام اقتصادی سرمایه داری که پیش فرض اصالت سود بر آن حاکم است، اطلاعات به عنوان کالا (از زاویه دید ماتریالیستی در ردیف ماده و انرژی) تعریف می‌شود. اما در تمدن‌هایی که اصالت بر دیانت است اطلاعات در نقش هدایت انسان به سوی وحدانیت و قرب به پروردگار عالم تعریف می‌گردد که در آن حصول اطلاع و خبر در معنی حقیقیش حاصل می‌شود. گزینش از روی آگاهی از میان مفاهیم یاد شده به منزله پیش فرض مفهومی، نقش بسیار حیاتی در حوزه اداره عمومی جامعه و به ویژه در حوزه اقتصاد اطلاعات بازی می‌کند.

پیش فرض‌های فلسفی اقتصاد اطلاعات

اندیشه اقتصاد اطلاعات برخاسته از بطن نظریه اقتصاد بازار آزاد و به منزله اقتصاد خرد پرورش و توسعه یافته در درون همین نظریه است. اقتصاد اطلاعات در سطح خرد در صدد جامه عمل پوشاندن به ایده‌های سرمایه داری حاکم بر اقتصاد بازار آزاد بوده و مسائل و پیش فرض‌های همسو با آن و در جهت بستر سازی هرچه بیشتر برای رشد و بالندگی آن است. از این رو، پیش فرض مهم این رویکرد کالا پنداشتن اطلاعات در قبال مفهوم دیگر آن یعنی خیر و صلاح عمومی است. پیش فرض دیگر آن کسب سود و درآمد از طریق فروش اطلاعات به منزله کالا است.

وضعیت شکاف اطلاعاتی و دیجیتالی بین‌المللی

همه سازمان‌های بین‌المللی - از جمله اتحادیه اروپا، سازمان ملل متحد، صندوق بین‌المللی پول، کشورهای گروه هشت، و سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۱ - آگاهی خود را از این حقیقت اعلام کرده‌اند که فزونی و بهره‌گیری از فن‌آوری‌های اطلاعات و ارتباطات بعد جدیدی را به صورت تقسیم‌بندی جوانان دنیا به افراد خوش‌بخت و نه‌چندان خوشبخت اضافه می‌کند (کاستلز، ۲۰۰۱). او می‌گوید، "به نظر می‌رسد که نظام نوین اقتصادی - تکنولوژیکی، توسعه نابرابر، سبب افزایش همزمان رفاه و فقر، و بهره‌وری و انزوای اجتماعی شده است و به صورت‌های متفاوتی بر مناطق مختلف جهان و گروه‌های مختلف اجتماعی تاثیر می‌گذارد".

آژانس‌های بین‌المللی - بین‌الدولی و غیردولتی و همچنین سازمان‌های متعلق به بخش خصوصی - اطلاعات و ارتباطات دیجیتال را به چالش گذاشته و راهکارهایی را به منظور عبور از آن طراحی می‌کنند. در این چالش، مفهوم شکاف دیجیتالی حداقل در چهار شکل مختلف زیر مورد استفاده قرار گرفته است (نوریس، ۲۰۰۱، ۴-۱۴؛ کاستلز، ۲۰۰۱، ۲۵۶-۲۵۸).

نخست این که مفهوم شکاف دیجیتالی جهانی به منظور اشاره به تفاوت‌های بهره‌مندی بخش‌های مختلف جهان از فن‌آوری‌های اطلاعات و ارتباطات مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این رابطه مهم‌ترین خط فاصله‌ای که می‌توان ترسیم کرد خط فاصله میان شمال ثروتمند و جنوب فقیر است. اکنون صدها سازمان دولتی و غیردولتی در سطح جهان به کمک صدها پروژه در حال بررسی و مطالعه مشکلات شکاف دیجیتالی هستند. دومین تفسیر مرزبندی دیجیتالی به فرصت‌های نابرابر موجود در زمینه بهره‌مندی از فن‌آوری‌های اطلاعات و ارتباطات در میان کشورها اشاره دارد. پایگاه اقتصادی - اجتماعی، سطح آموزش و محل اسکان افراد مهم‌ترین عوامل در این تفسیر به شمار می‌روند. هر چه سطح درآمد و آموزش پایین‌تر و محل اقامت فرد از مناطق مرکزی و پایتخت دورتر باشد، احتمال دورماندن از شبکه‌ها و جریان‌های اطلاعاتی کمتر خواهد بود. سوم موضوع مرزهای دموکراتیک، به ویژه با توجه به مشارکت مدنی جوانان است. فرصت‌های کودکان و جوانان برای ابراز عقاید و افکار خود در خصوص

مباحث مختلف اجتماعی به طور سنتی به مواردی چون روابط میان گروه‌های هم سن، اعتراض در مقابل خستگی آور بودن مدارس، یا مخالفت در خانه محدود بوده است (بوکینگهام^۱، ۲۰۰۰). علاوه بر این، برخی پژوهشگران ادعا دارند که تعامل میان نوجوانان و والدینشان از طریق تلفن همراه اختلافات جدی میان آنها را کاهش داده و فرصت پرورش روحیه استقلال در اثر این گونه اختلافات را از نوجوانان سلب می‌کند. سرشت دیجیتالی و رسانه‌ای شده فرهنگ، دنیا را هم از جهت جغرافیایی و هم از لحاظ اجتماعی باز کرده است. فرهنگ رسانه‌ای و فن آوری‌های اطلاعات و ارتباطات الزاما با جهانی شدن اقتصادی یکی نیست، فرصت‌های جدیدی را برای مشارکت و مخالفت ایجاد می‌کنند. (کلنر^۲، ۲۰۰۰). شکاف چهارم شکاف میان دانش و فن آوری است. یکی از مشخصه‌های فن آوری‌های اطلاعات و ارتباطات این است که در همان حال که شکافی تکنولوژیکی در حال پر شدن و از میان رفتن است، شکاف دیگری پا به منصه ظهور می‌گذارد. این امر به واسطه چرخه سریعی است که طی آن فن آوری مورد استفاده با فن آوری جدید جایگزین می‌شود (کاستلز، ۲۰۰۱).

مشکلات شکاف دیجیتالی

نظام‌های آموزشی معاصر هم شکاف دیجیتالی مبتنی بر شکاف علمی را تایید می‌کنند. هرچند که آموزش مادام العمر منابع اساسی را برای جوانان به وجود آورده و این منابع نیز به نوبه خود به کیفیت کار افراد و رشد و توسعه شخصی آنها کمک می‌کند، بسیاری از مدارس در کشورهای در حال توسعه و حتی در کشورهای بیشتر توسعه یافته، کارکردی در حد محل تجمع کودکان و جوانان دارند. مدارس، در یک ارزیابی جهانی، از نظر سطح کیفی معلمان و دیگر منابع تفاوت بسیار فاحشی با یکدیگر دارند. استفاده از فن آوری‌های اطلاعات و ارتباطات مشکلات عملی را که به ویژه در فقیرترین کشورهای جهان بیشتر دیده می‌شود، به دنبال دارد. اولین مسئله فقدان پول و منابع مربوط به فن آوری اطلاعات و ارتباطات است (عنان، ۲۰۰۲). به همین ترتیب کمک‌های مالی بدون آموزش نیروی انسانی و حقوق مالکیت می‌تواند به فساد و هدایت پول به سمت افرادی غیر از آنهایی که هدف کمک بوده‌اند، منجر شود.

دومین مشکل که جنبه مالی دارد این است که جدیدترین تجهیزات فن آوری اطلاعات و ارتباطات از نقطه نظر کشورهای در حال توسعه بسیار گران هستند. یکی از راه‌های پیشنهادی برای حل این مشکل استفاده از نرم افزارهای رایگان و تولید تجهیزاتی است که نیازهای کاربران را بدون در اختیار گذاشتن جدیدترین و آخرین فن آوری‌ها تامین کند.

سومین مشکل، مشکل زبان به کار رفته در فن آوری‌های اطلاعات و ارتباطات به عنوان مثال تسلط زبان انگلیسی است که راه‌های مختلفی برای این مشکل وجود دارد (نگاه‌به لاپاژ، ۲۰۰۲).

بنابراین، در تعیین و تفسیر مهمترین عامل توسعه یافتگی برخی کشورها و عقب ماندگی برخی دیگر دو پدیده مهم مورد توجه حاصل از مدرنیته یکی شکاف اطلاعاتی و دیگری شکاف دیجیتالی است که حاصل اولی فقر اطلاعاتی و حاصل دومی فقر ارتباطی است که به نظام اقتصادی حاکم بر جهان نسبت داده می‌شود. خلاصه‌ای از وضعیت موجود و متغیرهای موثر بر این دو پدیده به شرح زیر اشاره می‌شود:

- در سال ۱۹۹۸/۹۹ ۲۰ درصد جمعیت جهان، صاحب ۸۶ درصد ثروت جهان، ۶۱ درصد خطوط تلفن و ۹۰ درصد دسترسی به اینترنت هستند؛
- سرمایه سه مدیر شرکت مایکروسافت از کل دارایی‌های ۴۳ کشور فقیر جهان با بیش از ۶۰۰ میلیون نفر جمعیت بیشتر است.
- فاصله بین فقیر و غنی در اثر جهانی شدن اقتصاد و استفاده از فن آوری اطلاعات در حال گسترش است؛
- فقر اطلاعاتی بر اقتصاد، توسعه فرهنگی و سیاسی - اجتماعی کشورهای جهان سوم تأثیر منفی دارد فقر اطلاعاتی در حوزه کتابداری و اطلاع رسانی با عناوینی از قبیل "نابرابری اطلاعاتی"، "شکاف اطلاعاتی"، "خلاء اطلاعاتی" و ترکیبات مشابه بیان می‌شود؛
- بی تفاوتی برخی کشورها به فقر اطلاعاتی یعنی زمینه تولید، سازماندهی و اشاعه و دسترسی؛
- بی تفاوتی به فقر اطلاعاتی یعنی عمق شکاف اطلاعاتی، شکاف دیجیتالی بین جوامع، قشرهای مختلف یک جامعه، عقب ماندگی بیشتر و بحرانی؛

- کمبود دسترسی بخش‌هایی از جامعه به فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات؛
- شکاف بین توان دستیابی و استفاده مؤثر از اطلاعات و فناوری اطلاعات برای افراد و جوامع؛
- شکاف فزاینده بین دسترسی آسان کشورها به دانش، اطلاعات، ایده‌ها و آثار اطلاعاتی؛
- نابرابری‌های اقتصادی - اجتماعی به منزله علت و معلول شکاف دیجیتالی؛
- نابرابری در کاهش نرخ مبادله افزوده کالاهای دیجیتالی به رغم کاهش قیمت (ارزش افزوده پایین کالاهای تولیدی در کشورهای در حال توسعه نسبت به کشورهای پیشرفته)؛
- نرخ پایین معامله تجاری بین المللی این نوع کالا و انتقال منابع و پس‌اندازها از کشورهای در حال توسعه به کشورهای توسعه‌یافته؛
- نقش اساسی آموزش افراد مؤثر در توسعه در باره چابکی، ارزش، دسترسی و کاربرد مؤثر اطلاعات؛
- مهیا کردن نسبی زیرساخت فناوری اطلاعات و ارتباطات برای کمیت و کیفیت استفاده از اطلاعات،
- همکاری و همگرایی ملی و بین‌المللی کتابداران و نهادهای وابسته کلید کاهش موانع موجود؛
- کشورهای در حال توسعه نزدیک به ۸۰ درصد جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند اما کمتر از ۳۰ درصد کتاب‌های جهان را تولید می‌کنند و کمتر از این مقدار نیز به کتابخوانی مشغولند؛
- کشورهای توسعه یافته با جمعیتی حدود ۷۰ درصد ۲۰ درصد جمعیت جهان، کتاب‌های جهان را تولید می‌کنند؛
- اروپا در سال ۸۰۲ عنوان کتاب ۱۹۹۱ به ازای هر یک میلیون نفر جمعیت خود ۷۰ عنوان و قاره منتشر کرده، اما قاره آسیا در همان سال به ازای هر یک میلیون نفر ۲۰ عنوان منتشر کرده است؛ همبستگی نزدیک بین دسترسی به اینترنت و آفریقا درآمد، اشتغال، نژاد، جنس و آموزش؛
- در سال ۱۹۹۹ بیش از ۹۰ درصد از کاربران اینترنت در کشورهای توسعه یافته واقعند که تنها ۱۹ درصد جمعیت جهان را دارا می‌باشند؛

- نزدیک به دو سوم از کل کاربران اینترنت در ایالات متحده و کانادا زندگی می‌کنند در حالی که نیمی از جمعیت جهان هرگز از تلفن استفاده نکرده اند؛
- در کشورهای توسعه یافته برای هر ۱۰۰۰۰ نفر ۱۸۲۲ خط تلفن وجود دارد، این رقم برای کشورهای در حال توسعه تنها ۱۶۳ خط است؛
- وجود ۱۹۸۹ کامپیوتر شخصی برای هر ۱۰۰۰۰ نفر در کشورهای توسعه یافته در مقابل تنها ۱۱۳ عدد در کشورهای در حال توسعه؛
- ۲۳ درصد از جمعیت جهان در آسیای جنوب شرقی با تنها ۱ درصد از کاربران اینترنت؛
- بیش از ۹۷ درصد از میزبان‌های اینترنت در کشورهای توسعه یافته با تنها ۱۶ درصد جمعیت جهان را دارا هستند؛

مفهوم بومی سازی

غلامرضا اعوانی گفته است که به برداشت‌های متفاوتی از بومی‌سازی می‌شود اشاره کرد؛ این مسایل، گاه این شبهه را به ذهن متبادر می‌سازد که منظور از آن، تعطیل کردن علوم انسانی در مراکز علمی است و دیگر اینکه معنای بومی کردن کنار گذاشتن کامل علوم انسانی غربی نیست و باید از افراط و تفریط دوری کرد. در واقع دو بحث در اینجا مطرح می‌شود که باید از هم تفکیک گردد؛ یکی بحث بومی‌سازی علوم انسانی است که به معنای مطالعه و بررسی مقتضیات جامعه، هنجارها، ناهنجاری‌ها، رفتارها و تطبیق علوم انسانی بر اساس نیاز فرهنگ جامعه می‌باشد و [دوم این] که برای رسیدن به این هدف ابتدا باید الگوی مشخصی از تحول داشته باشیم و بر اساس آن الگو پیش برویم و معنای اسلامی علوم انسانی؛ بازتعریف تئوری‌های علوم انسانی با استفاده از مبانی و جهان‌بینی اسلامی است. از آنجا که علوم انسانی فعلی بر اساس مبانی و تفکرات اومانیستی، سکولار و نسبی‌گرایی ناشی از جهان‌بینی غرب و در راستای نیازهای انسان غربی طراحی شده لزوم بومی‌سازی علوم انسانی و کاربردی شدن آن بیش از پیش بر همگان اثبات می‌شود (ویکی پدیا، ۲۰۱۳). به منظور نقد دیدگاه اقتصاد و تجاری سازی اطلاعات و دستیابی به الگوی مفید بومی و اسلامی، پیش فرض‌های نظری دو نظام اقتصادی بازار آزاد، و سوسیالیستی، به عنوان یافته‌های پژوهش از بررسی و تحلیل محتوای منابع حاصل و با پیش فرض‌های ایرانی-اطلامی حاصل از

منابع مورد مقایسه قرار گرفت. یافته‌ها نشان می‌دهند که شکاف اطلاعاتی و دیجیتالی از مشغله‌های مهم جامعه جهانی است، اقتصاد بازار آزاد و اقتصاد اطلاعات عامل اساسی این دو شکاف هستند، پیش فرض‌های ایرانی - اسلامی در ۱۱ مورد مخالف با دو نظام، ۱۴ مورد مخالف با نظام بازار، ۱ مورد مخالف با دولت سالاری، ۱ مورد موافق با نظام بازار، ۱۴ مورد موافق با دولت سالاری و ۳ مورد موافق با مختلط، و ۱ مورد موافق با بازار کنترلی است.

جدول ۲. پیش فرض (شاخص)‌های نظام اقتصادی بومی مبتنی بر منابع اسلامی، ایرانی

ردیف	نظام اقتصادی بومی	ردیف	نظام اقتصادی بومی
۱	مینا مکتب الهی	۱۷	عدم اعتقاد به بحران
۲	توحیدی	۱۸	دخالت و کنترل دولت در اقتصاد
۳	بخش دولتی، تعاونی، خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح (از راه مشروع)	۱۹	اشتغال به کار شرایط مساوی
۴	مینا وحی	۲۰	شرایط مساوی برای احراز مشاغل
۵	اقتصاد بخش خصوصی مکمل دو بخش دولتی و تعاونی	۲۱	پذیرش هویت
۶	جلب همکاری	۲۲	مخالف با بهره کشی
۷	مالکیت شخصی از راه مشروع	۲۳	تایید قوانین حمایت اجتماعی
۸	رجحان خیر و صلاح عمومی معنوی	۲۴	انفال و ثروتهای جستجوی عمومی در اختیار دولت
۹	رشد اقتصادی	۲۵	نا همگونی جهانی شکل‌های اجتماعی
۱۰	تأمین نیازهای اساسی	۲۶	پذیرش تنوع فرهنگی و نهادی جوامع
۱۱	منع اسراف و تبذیر در مصرف، سرمایه گذاری، تولید، توزیع و خدمات	۲۷	در راستای معنا و معنوی
۱۲	دخالت و کنترل دولت در اقتصاد	۲۸	دوری از ناسیونالیسم فرهنگی
۱۳	جلوگیری از بهره کشی از کار دیگری	۲۹	گرایش به بنیادگرایی دینی
۱۴	عدم تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه های خاص	۳۰	استقلال اقتصادی جامعه
۱۵	عدم تمرکز ثروت در دست دولت به صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق	۳۱	منع ربا و دیگر، معاملات باطل و حرام
۱۶	منع انحصار و احتکار	۳۲	اعتقاد به عدالت و مساوات

جدول ۳. جدول تطبیقی شاخص های نظام های اقتصادی آزاد، دولت سالاری، و ایرانی اسلامی

ردیف	شاخص های نظام اقتصاد آزاد و اقتصاد اطلاعات	شاخص های نظام اقتصاد دولت سالاری	شاخص های نظام اقتصاد ایرانی اسلامی	تطبیق شاخص های سه نظام اقتصادی
۱	مینا مکتب طبیعت گرای	مینا مکتب سوسیالیسم	مینا مکتب الهی	مخالف با دو نظام
۲	پیش فرض ماتریالیستی	پیش فرض ماتریالیستی	توحیدی	مخالف با دو نظام
۳	مالکیت خصوصی	اصل مالکیت اجتماعی و سبایل تولید	بخش دولتی، تعاونی، خصوصی با برنامه ریزی منظم و صحیح (از راه مشروع)	مختلط
۴	نظریه زیست شناختی	مینا نظریه سیستمی	مینا وحی	مخالف با دو نظام
۵	نظریه بازی			
۶	نظریه نظم و بی نظمی			
۷	نظریه احتمال			
۸	بازار آزاد و عدم کنترل	قدرت دولت در کنترل	اقتصاد بخش خصوصی مکمل دو بخش دولتی و تعاونی	مختلط
۹	رقابت و داد و ستد داخلی و بین المللی	- نبود رقابت - هدف جلب همکاری مردم میان تولید کنندگان خصوصی	جلب همکاری	- مخالف با نظام بازار - موافق با دولت سالاری
۱۰	گردش بازار بر اساس نفع شخصی	مالکیت همه مردم بر عوامل و سبایل تولید و توزیع کالا	مالکیت شخصی که از راه مشروع	مالکیت شخصی کنترل شده
۱۱	خیر و صلاح عمومی بر پایه رقابت و نفع شخصی	برنامه ریزی اقتصادی به وسیله دولت	رجحان خیر و صلاح عمومی معنوی	- مخالف با نظام بازار - موافق با دولت سالاری
۱۲	رشد اقتصادی	محدودیت ها	رشد اقتصادی	- مخالف با دولت سالاری
۱۳	رفاه اجتماعی	آزادی مصرف در حد نفع جامعه	- تأمین نیازهای اساسی - منع اسراف و تبذیر در مصرف، سرمایه	- موافق با دولت سالاری - مخالف با نظام بازار

ردیف	شاخص های نظام اقتصاد آزاد و اقتصاد اطلاعات	شاخص های نظام اقتصاد دولت سالاری	شاخص های نظام اقتصاد ایرانی اسلامی	تطبیق شاخص های سه نظام اقتصادی
			گذار، تولید، توزیع و خدمات	
۱۴	عدم دخالت در بازار توزیع تا عادلانه درآمد و ثروت میان گروه های اجتماعی	دخالت و کنترل دولت در اقتصاد تقسیم عادلانه درآمدها و تامین خدمات برای هر فرد جامعه	دخالت و کنترل دولت در اقتصاد جلوگیری از بهره کشی از کار دیگری	- موافق با دولت سالاری - مخالف با نظام بازار - موافق با دولت سالاری - مخالف با نظام بازار
۱۶	انحصار توسط سرمایه داران	انحصار دولتی	-عدم تمرکز و تداوم ثروت در دست افراد و گروه های خاص -عدم تمرکز ثروت در دست دولت به صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق -منع انحصار و احتکار	مخالف با دو نظام
۱۷	تابستانی های درونی (زکود) و بحرانی های بی دربی	عدم اعتقاد به بحران	عدم اعتقاد به بحران	- موافق با دولت سالاری - مخالف با نظام بازار
۱۸	دخالت محدود دولت ها در اقتصاد	دخالت و کنترل دولت در اقتصاد آزادی اشتغال در حد نفع جامعه	دخالت و کنترل دولت در اقتصاد اشتغال به کار شرایط مساوی	- موافق با دولت سالاری - مخالف با نظام بازار - موافق با دولت سالاری - مخالف با نظام بازار
۲۰	خرید و فروش آزاد تنظیم قیمت بر اساس عرضه و تقاضا	تعیین دستمزدها، بهای کالاها، و خدمات با دولت	مختلط	- مخالف - مختلط
۲۱	روابط طبقاتی	وظایف رسمی	شرایط مساوی برای احراز مشاغل	مخالف با دو نظام
۲۲	گرایش به هویت	پندرش هویت	پندرش هویت	- موافق با دولت سالاری - مخالف با نظام بازار - موافق با دولت سالاری - مخالف با نظام بازار
۲۳	بهره وری تولید	مخلف با بهره کشی	مخالف با بهره کشی	- موافق با دولت سالاری - مخالف با نظام بازار

ردیف	شاخص های نظام اقتصاد آزاد و اقتصاد اطلاعات	شاخص های نظام اقتصاد دولت سالاری	شاخص های نظام اقتصاد ایرانی اسلامی	تطبیق شاخص های سه نظام اقتصادی
۲۴	تغی قوانین حمایت اجتماعی	تأیید قوانین حمایت اجتماعی	تأیید قوانین حمایت اجتماعی	- موافق با دولت سالاری - مخالف با نظام بازار
۲۵	نفی منافع عمومی	اداره وسایل تولید و توزیع کالا توسط دولت به نمایندگی از مردم	انفال و ثروتهای جستجوی عمومی در اختیار دولت	- موافق با دولت سالاری - مخالف با نظام بازار
۲۶	همگرایی جهانی شکل های اجتماعی	همگرایی جهانی شکل های اجتماعی	نا همگرایی جهانی شکل های اجتماعی	مخالف با دو نظام
۲۷	گرایش به تنوع فرهنگی و نهادی جوامع	پذیرش تنوع فرهنگی و نهادی جوامع	پذیرش تنوع فرهنگی و نهادی جوامع	- موافق با دولت سالاری - مخالف با نظام بازار
۲۸	جستجوی مشتاقانه معنا و معنویت	جستوی مشتاقانه معنا و معنویت	در راستای معنا و معنویت	مخالف با دو نظام
۲۹	گرایش به ناسیونالیسم فرهنگی	گرایش به ناسیونالیسم فرهنگی	دوری از ناسیونالیسم فرهنگی	مخالف با دو نظام
۳۰	گرایش به بنیادگرایی دینی	گرایش به بنیادگرایی دینی	گرایش به بنیادگرایی دینی	موافق دو نظام
۳۱	تضعیف مقوله های حاکمیت و خودکفایی	به حداکثر رساندن قدرت دولت	استقلال اقتصادی جامعه	مخالف با دو نظام
۳۲	شبکه های جهانی ثروت و قدرت	کنترل دولت بر مازاد تولید	منع ربا و دیگر، معاملات باطل و حرام	مخالف با دو نظام
۳۳	عدم اعتقاد به عدالت و مساوات	اعتقاد به عدالت و مساوات	اعتقاد به عدالت و مساوات	- موافق با دولت سالاری - مخالف با نظام بازار
۳۴	جمع (فرارانی)	۱۱ مورد مخالف با دو نظام ۱ مورد مخالف با دولت سالاری ۱۴ مورد موافق با دولت سالاری ۱ مورد موافق با بازار کنترلی	۱۴ مورد مخالف با نظام بازار ۱ مورد موافق با نظام بازار ۳ مورد مختلط	

بحث و نتیجه‌گیری

در این مطالعه توجه به این نکته کلیدی را یادآور شدیم که تفاوت در پیش فرض‌های هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی عموماً به ارائه نظریه‌های اطلاع‌شناختی متفاوتی می‌انجامد. کاربرد دو مفهوم کاملاً متناقض برای اطلاعات در استفاده از واژه انگلیسی good (خیر و صلاح عمومی در برابر کالا) که به بحث اقتصاد اطلاعات کاملاً مرتبط است، از این نوع است که زمینه سوء برداشت‌هایی از این مفهوم را در کاربرد اقتصاد اطلاعات به معنی کالا فراهم ساخته است. در حالی که از این واژه بیشتر مفهوم خیر و صلاح عمومی استنباط می‌شود. بنابراین، حداقل دو پیش فرض مهم در حوزه مفهومی اطلاعات یعنی خیر عمومی و کالا در طول تاریخ استفاده از اطلاعات در بین مکاتب فلسفی رواج داشته و اکنون نیز وجود دارد.

در جوامعی با نظام اقتصاد آزاد یعنی اقتصادی سرمایه‌داری که پیش فرض اصالت سود مادی بر آن حاکم است، اطلاعات به عنوان کالا (از زاویه دید ماتریالیستی در ردیف ماده و انرژی) تعریف می‌شود. اما در تمدن‌هایی که اصالت بر دیانت است اطلاعات در نقش هدایت انسان به سوی وحدانیت و قرب به پروردگار عالم تعریف می‌گردد که در آن حصول اطلاع و خبر در معنی حقیقیش حاصل می‌شود. گزینش از روی آگاهی از میان مفاهیم یاد شده به منزله پیش فرض مفهومی، نقش بسیار حیاتی در حوزه اداره عمومی جامعه و به ویژه در حوزه اقتصاد و اطلاعات بازی می‌کند. نیز به این نتیجه دست یافتیم که اندیشه اقتصاد اطلاعات برخاسته از بطن نظریه اقتصاد بازار آزاد و به منزله اقتصاد خرد و فرعی پرورش و توسعه یافته در درون همین نظریه است. اقتصاد آزاد با استفاده از ابزار جدید خود اطلاعات در سطح خرد، در صدد جامه عمل پوشاندن به ایده‌های سرمایه‌داری حاکم بر اقتصاد بازار آزاد بوده و مسائل و پیش فرض‌های همسو با آن و در جهت بستر سازی هرچه بیشتر برای رشد و بالندگی آن است. به این دلیل، بنا به نظر کاستلز به آن سرمایه‌داری اطلاعاتی نیز اطلاق می‌شود.

از این رو، پیش فرض مهم این رویکرد کالا پنداشتن اطلاعات در قبال مفهوم دیگر آن یعنی خیر و صلاح عمومی و پیش فرض دیگرش کسب سود و درآمد از طریق فروش اطلاعات به منزله کالا است. حال به رغم تسلط این نظام بر اقتصاد بسیاری از کشورها؛ با توجه به ضعف‌های اساسی موجود در نظام اقتصاد بازار آزاد که در غرب نیز منتقدین زیادی دارد و کاستی‌های عمده‌ای چون گردش بازار بر اساس نفع شخصی،

توزیع نا عادلانه درآمد و ثروت میان گروه‌های اجتماعی، انحصار توسط سرمایه داران، رفاه اجتماعی به نفع گروهی خاص، رکود و نابسامانی‌های درونی و بحران‌های پی در پی، تنظیم قیمت بر اساس عرضه و تقاضا مبتنی بر اطلاعات معیوب، نفی منافع عمومی، نفی قوانین حمایت اجتماعی، همگون سازی جهانی شکل‌های اجتماعی، تضعیف مقوله‌های حاکمیت، خودکفایی و هویت، و ایجاد شبکه‌های جهانی ثروت و قدرت به نسبت داده می‌شود. نتایج مقایسه شاخص‌های نظام اقتصادی سه نظام بازار آزاد، دولت سالاری و بومی ایران نشان می‌دهد که از مجموع ۳۴ شاخص شناسایی شده بر اساس بررسی منابع، تعداد ۱۱ مورد مخالف با دو نظام، ۱۴ مورد مخالف با نظام بازار، ۱ مورد مخالف با دولت سالاری، ۱ مورد موافق با نظام بازار، ۱۴ مورد موافق با دولت سالاری، ۳ مورد مختلط، ۱ مورد موافق با نظام بازار با کنترل بوده است یعنی در ۲۵ شاخص با نظام بازار آزاد در تقابل بوده، در ۲ مورد با آن همسو، و در سه شاخص هم به شکل مختلط از هر دو نظام را داشته است. بر اساس تنافی در پیش فرض‌ها، و کمترین همسویی با نظام بازار آزاد بنیان گذار اقتصاد و تجاری سازی اطلاعات و با مطرح بودن مسائلی نظیر شکاف اطلاعاتی، شکاف دیجیتال، و اعتقاداتی چون جریان آزاد اطلاعات و حرکت‌هایی در جهت تقویت و کاربرد منابع با دسترسی آزاد؛ این بحث پیش می‌آید که در زمانی که بومی سازی موضوع اصلی مجامع علمی کشوری است که با نظام الهی اسلام اداره می‌شود، چرا به بحث مربوط به اقتصاد اطلاعات به این حد پرداخته می‌شود و چشم انداز این رویکرد اطلاعات در ایران چیست، این رویکرد برای رفع و ارضای نیازهای چه کسانی مطرح می‌شود، و در چه مکانی، چگونه و بر پایه کدام منابع و زیر ساخت‌ها صورت خواهد گرفت و مقصد آن کجاست؟ امید است که پیش از به مورد اجرا گذاشتن چنین پندار و رویکردی، بررسی‌های عالمانه و پاسخ‌های مناسبی به پرسش‌های مطرح شده فراهم آید.

منابع

آزادی احمدآبادی، قاسم؛ آزادی احمدآبادی، اکرم. بررسی رویکردها و نظامهای قیمت گذاری خدمات اطلاعاتی.

احمدخانی، هرین؛ سلطانی، فرحناز. مدیریت بازاریابی کاربران کتابخانه‌ها با استفاده از سیستم مدیریت ارتباط با مشتری.

اعوانی، غلامرضا (۱۳۹۲). در باره بومی سازی. در ویکی پدیا: دانشنامه آزاد. بازیابی ۸ خرداد ۱۳۹۲، از

http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A8%D9%88%D9%85%DB%8C%E2%80%8C%D8%B3%D8%A7%D8%B2%DB%8C_%D8%B9%D9%84%D9%88%D9%85_%D8%A7%D9%86%D8%B3%D8%A7%D9%86%DB%8C_%D8%AF%D8%B1_%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86#cite_note-2

بتولی، زهرا (۱۳۹۱). اقتصاد اطلاعات: نقش اطلاعات در اقتصاد و ارزش اقتصادی اطلاعات در کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع رسانی.

ثابت، عبدالحمید (۱۳۸۱). نگاهی به ماهیت اقتصاد و رفتار اقتصادی. پگاه حوزه، ۲، ۱۴.

جعفری نژاد، سید ابوالفضل (خرداد ۱۳۸۹). اقتصاد اطلاعات در جهان، کشورهای در حال توسعه و ایران. ماهنامه فناوری دانش. بازیابی: ۹۱/۸/۲۳ از

<http://www.knowtechmag.com/archive-issues/year-88/25-issue-05/588-information-economy.html>.

جلالی دیزجی، علی (مرداد ۱۳۸۹). فلسفه اطلاعات. کتاب ماه کلیات: اطلاعات، ارتباطات و دانش شناسی، ۱۳ (۸)، ۲۲-۲۹.

حری، عباس. اطلاعات. در دایره المعارف کتابداری و اطلاع رسانی (نسخه آزمایشی). بازیابی ۲۳ آبان، ۱۳۹۱، از <http://portal.nlai.ir/daka/Wiki%20Pages.aspx>.

خندان، محمد (۱۳۸۸). فلسفه اطلاعات. تهران: چاپار؛ نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور.

خراسانی، محبوبه؛ تاج آبادی، رضا؛ میراسدالله، رضوان السادات. راهکارهای تجاری سازی پژوهشهای دانشگاهی در اقتصاد دانش محور.

داودی، مهدی. در باره جامعه اطلاعاتی. اطلاع شناسی، ۱ (۲)، ۱۹۸-۲۰۵.

سورنتا، جوها. جوانان و فناوریهای اطلاعات و ارتباطات؛ شکافهای دیجیتالی. اطلاع شناسی، ۱ (۲)، ۱۷۱-۱۷۷.

شورای کتاب کودک (۱۳۷۱-۱۳۹۱). فرهنگنامه کودکان و نوجوانان. زیر نظر توران میرهادی و ایرج جهانشاهی. تهران: شرکت تهیه و نشر فرهنگنامه کودکان و نوجوانان. ج. ۳. ص ۱۲۰-۱۲۷.

مینامی، توشیرو (مرداد ۱۳۹۱). مدلی برای نظام بازاریابی کتابخانه و ارائه کاربردهای محتمل

- آن. ترجمه نیره السادات سلیمان زاده. کتاب ماه کلیات، ۱۵ (۸)، ۷۶-۸۹.
- هایس، رابرت ام. اقتصاد اطلاعات. در دایره المعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی (نسخه آزمایشی). بازیابی در ۲۳ آبان، ۱۳۹۱، از
- <http://www.knowtechmag.com/archive-issues/year-88/25-issue-05/588-information-economy.html>.
- Black, Ken (2012). *Imperfect Information Economics*. Conjecture Corporation. Retrieved 13 November, 2012, from <http://topics.wisegeek.com/topics.htm?imperfect-information-economics#>.
- Black, Ken (2012). *Perfect Information Economics*. Conjecture Corporation. Retrieved 13 November, 2012, from <http://topics.wisegeek.com/topics.htm?perfect-information-economics#a=54526&t=default&k=Perfect%20Information%20Economics&b=1&p=5&s=>.
- Blinder, Alan S. (2008). Keynesian Economics. In *The Concise encyclopedia of economics*. Liberty Fund Inc. Retrieved 13 November, 2012, from <http://www.econlib.org/library/Enc/KeynesianEconomics.html>.
- Buckland, Michael (1991). *Information and information systems*. New York: Praeger.
- Castells, Manuel (1999). *The rise of the network society*. Oxford: Blackwell.
- Economic Theory (2012). In: *TheFreeDictionary*. Farlex, Inc. Retrieved 13 November, 2012, from <http://encyclopedia2.thefreedictionary.com/economic+theory>.
- The Encyclopedia Americana* (1972). International ed. New York: Americana Corporation.
- Prychitko, David L. (2008). Marxism. In *The Concise encyclopedia of economics*. Liberty Fund Inc. Retrieved 13 November, 2012, from <http://www.econlib.org/library/Enc/Marxism.html>.
- Ritchie, L. David (1991). *Information*. Newbury Park & London: Sage Publications.
- Richardson, George (1997). *Information and investment*. 2nd ed. Oxford: Clarendon.
- Rothbard, Murray N. (2008). Free Market. In *The Concise encyclopedia of economics*. Liberty Fund Inc. Retrieved 13 November, 2012, from <http://www.econlib.org/library/Enc/Free-Market.html>.
- Stonier, T. (1997). *Information and Meaning: An Evolutionary Perspective*. Berlin: Springer.
- Thaler, Richard H. and Mullainathan, Sendhil (2008). Behavioral Economics. In *The Concise encyclopedia of economics*. Liberty Fund Inc. Retrieved 13 November, 2012, from <http://www.econlib.org/library/Enc/BehavioralEconomics.html>.
- Urquhart, Christine (2006). *Solving management problems in information services*. Oxford: Chandos Publishing.